

فخبران سیاسی ایران

از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی

نمایندگان مجلس شورای ملی

ویژگی‌های گروهی و منشأ اجتماعی نمایندگان

مطالعه از نظر جامعه‌شناسی سیاسی

تألیف

زهرا شجعی

www.KetabFarsi.com



فهرست مطالب

- ۱۱ - منشاء و سیر مشروطیت در ایران
 ۲۴ - سخنی مقدماتی در باب تحقیقات راجع به برگزیدگان سیاسی
 ۳۳ - پیشگفتار

بخش اول

مشروطیت ایران و علل و موجبات آن

- ۴۵ مقدمه
 ۷۵-۴۷ فصل نخست - تحولات اقتصادی ایران مقارن انقلاب مشروطیت
 انقلاب صنعتی و تأثیر آن در تجارت و صنعت ایران
 کشاورزی
 مالیات
 امتیازات
 ۱۱۳-۷۷ فصل دوم - نهضت فکری
 تأثیر ارتباط ایران با دولتهای غربی، شخصیت‌های برگزیده تاریخ و تأثیر آنها در
 نفوذ اندیشه‌های تازه در ایران
 تأثیر مطبوعات
 تأثیر انجمنها و جمعیت‌های سیاسی و مذهبی



انتشارات سخن، خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران، شماره ۱۳۹۲، تلفن
 ۶۴۶۵۹۷۰

- نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی
- تألیف: زهرا شجعی
- تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه
- چاپ اول: بهار ۱۳۷۲
- حروفچینی و صفحه‌آرایی: سینا (قانعی)

فصل سوم - مختصر وقایع انقلاب مشروطیت
 انقلاب ملی
 فرمان اعطای مشروطیت
 نظامنامه انتخابات
 تحلیلی از قانون اساسی
 فصل چهارم - تأثیر و اهمیت گروه‌ها و طبقات اجتماعی ایران
 حکومت استبدادی و فساد دستگاه اداری
 تأثیر روشنفکران
 تأثیر روحانیان
 تأثیر بازاریان
 تأثیر کارگران
 تأثیر روستاییان
 تأثیر اشراف و عمده مالکان
 دولتهای خارجی و انقلاب مشروطیت ایران
 فصل پنجم - تاریخ مختصر ادوار قانونگذاری
 توضیحات مقدماتی
 الف - عصر اول مشروطیت، دوره اول قانونگذاری
 استبداد صغیر
 دوره دوم قانون گذاری
 فترت بین مجلس دوم و سوم
 دوره سوم قانونگذاری
 فترت بین مجلس سوم و چهارم
 دوره چهارم قانونگذاری
 دوره پنجم قانونگذاری
 ب - عصر دوم مشروطیت
 دوره ششم قانونگذاری
 دوره هفتم قانونگذاری

۱۱۵-۱۵۰

۱۵۱-۱۸۹

۱۹۱-۲۴۳

دوره هشتم قانونگذاری
 دوره نهم قانونگذاری
 دوره دهم قانونگذاری
 دوره یازدهم قانونگذاری
 دوره دوازدهم قانونگذاری
 ج - عصر سوم مشروطیت
 دوره سیزدهم قانونگذاری
 دوره چهاردهم قانونگذاری
 دوره پانزدهم قانونگذاری
 دوره شانزدهم قانونگذاری
 دوره هفدهم قانونگذاری
 دوره هجدهم قانونگذاری
 دوره نوزدهم قانونگذاری
 دوره بیستم قانونگذاری
 دوره بیست و یکم قانونگذاری
 دوره بیست و دوم قانونگذاری
 دوره بیست و سوم قانونگذاری
 دوره بیست و چهارم قانونگذاری

بخش دوم

مشخصات و منشأ اجتماعی نمایندگان مجلس شورای ملی

در بیست و سه دوره قانونگذاری

۲۴۷

توضیحات مقدماتی

۲۴۹-۲۸۲

فصل اول - تحول مشاغل نمایندگان در بیست دوره قانونگذاری

توضیحات مقدماتی

نمایندگان مالک

نمایندگان بازاری
نمایندگان کارمندان دولت
نمایندگان روحانی
نمایندگان صاحب مشاغل آزاد تخصصی
نمایندگان کارمندان مؤسسات ملی و غیردولتی
نمایندگان از طبقه پایین

فصل دوم - تحصیلات نمایندگان و تحول آن در بیست دوره قانونگذاری
توضیحات مقدماتی
تحصیلات عالی

الف - تحصیلات عالی (دکتر و اجتهاد)

ب - تحصیلات عالی حدود لیسانس

تحصیلات متوسطه

تحصیلات متعارف

فصل سوم - گروه‌های سنی و تحول آن در بیست دوره قانونگذاری ۳۱۱-۳۰۷

فصل چهارم - شغل پدران نمایندگان و تحول آن ۳۳۸-۳۱۳

وضع شغل پدران نمایندگان مالک

وضع شغل پدران نمایندگان بازاری

وضع شغل پدران نمایندگان روحانی

وضع شغل پدران نمایندگان کارمندان دولت

وضع شغل پدران نمایندگان صاحب مشاغل آزاد تخصصی

وضع شغل پدران نمایندگان کارمندان مؤسسات ملی و غیردولتی

و کلایی که پدران وکیل داشته‌اند

نمایندگانی که پدرانی از طبقه پایین داشته‌اند

نتیجه

فصل پنجم - تکرار دوره‌های نمایندگی در مجلس شورای ملی ۳۴۹-۳۳۹

فصل ششم - ترکیب گروه‌ها و منشأ اجتماعی نمایندگان ۴۳۰-۳۵۱

سن نمایندگان

شغل نمایندگان

گروه نمایندگان با سابقه کارمندی دولت

گروه نمایندگان مالک

گروه نمایندگان صاحب مشاغل آزاد تخصصی

گروه نمایندگان بازاری

گروه نمایندگان کارمندان مؤسسات غیردولتی

منابع درآمد نمایندگان

تحصیلات نمایندگان مجالس بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

نوع و درجه تحصیلات

رشته تحصیلات

محل تحصیلات

تألیفات نمایندگان

رشته مطالعات نمایندگان

نوع کتابهای مورد علاقه و مطالعه نمایندگان

نگرش و اندیشه نمایندگان از نقش اجتماعی خویش

خدمات و فعالیت‌های برجسته نمایندگان قبل از وکالت مجلس

امتیازات و افتخاراتی که قبل از انتخاب بوکالت کسب کرده‌اند

منشأ اجتماعی و خانوادگی نمایندگان

مشاغل پدران

منابع درآمد پدران

رابطه شغل نمایندگان با شغل پدران

گروه نمایندگان با سابقه کارمندی دولت

گروه نمایندگان مالک

گروه نمایندگان صاحب مشاغل تخصصی عالی

گروه نمایندگان بازاری

حرفه و مشاغل عمده اعضاء خانواده نمایندگان

سابقه عضویت بستگان نمایندگان در طبقه حاکمه مملکت

تحصیلات پدران نمایندگان

نتیجه کلی:

بخش سوم

الف - متن کامل قانون اساسی و متمم آن
ب - اسامی نمایندگان ۲۴ دوره قانونگذاری

۴۳۳-۴۶۲

۴۶۳-۵۶۰

پیشگفتار

با درود به روان پاک بانی جامعه‌شناسی نوین ایران، استاد علم و فضیلت و تقوی. شادروان دکتر غلامحسین صدیقی. نگارنده که بشاگردی آن یکتا استاد والامقام مفتخرم در طول ۲۰ سال متوالی برای انجام کارهای پژوهشی، همواره مورد عنایت و تشویق و راهنمایی خاص ایشان بوده‌ام. سپاس بیکران خود را در قبال تعالیم و هدایت‌های علمی آن رادمرد دانش و اندیشه، طبق خواست مقام والایش، کوشش در ادامه راه پژوهش میدانم. و این مجموعه بیقدر را که با استناد به مدارک و اسناد معتبر و نایابی که در طول سالهای بیشمار اشتغال در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران و با رنج فراوان گردآوری شده است. به روان آن پژوهشگر آزاده زمان تقدیم می‌دارد.

پس از انتشار اولین چاپ این مجموعه که نخستین گام در شناخت علمی و تجربی مربوط به گروه برگزیدگان سیاسی ایران (ELITE) و در مرداد ماه ۱۳۴۴ بود، تا زمان حاضر که یک ربع قرن از آن تاریخ می‌گذرد. اقدام مشابهی از طرف پژوهشگران و صاحب‌نظران در این زمینه برای رفع نواقص این تحقیق برداشته نشد.

نگارنده، از آن نظر که یک دوره متمایز حکومت سلطنتی ایران را با عمری متجاوز از هفتاد سال تاریخ کشور، که از بُعد قانونی تحت‌عنوان سلطنت مشروطه نامیده میشود. نباید و نمیتوان نادیده گرفت و از بررسی درباره نهادهای سیاسی و ویژگیهای گردانندگان آن صرف‌نظر کرد. بر خود فرض دانستم با اقرار به عدم توان علمی و بینش جامعه‌شناسی گزارش حاضر را که در تکمیل نخستین چاپ کتاب نمایندگان می‌باشد. و در واقع مجموعه‌ای از اطلاعات مستند گردآوری شده است. در دسترس پژوهشگران جامعه‌شناس و علاقمندان به این گونه سلسله تحقیقات تجربی درباره گردانندگان و

مسئولین نهادهای سیاسی ایران عصر مشروطیت قرار گیرد.

در تجدید چاپ تغییراتی صورت گرفته است که یادآوری آن ضرورت دارد. در بخش دوم کتاب که موضوع اصلی تحقیق می‌باشد. نمایندگان ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی را به دو دلیل در فصل جداگانه‌ای مورد بحث قرار داده‌ایم.

نخست آنکه اطلاعات راجع به گروه مورد مطالعه این سه دوره غنی‌تر و علاوه بر بررسی اعتبارنامه‌ها و مصاحبه با مطلعین از احوال آنها. از پرسشنامه‌هایی که حاوی اطلاعات وسیع‌تر از اعتبارنامه می‌باشد و توسط شخص نمایندگان تنظیم شده است استفاده کرده‌ایم. و در نتیجه داده‌های آماری ما در سطحی غنی‌تر از بیست دوره گذشته و مقرون به صحت بیشتری است. دلیل عمده دیگر، هدف مهم، دریافت تأثیر قانون اصلاحات ارضی، در ترکیب گروه‌های اجتماعی نمایندگان بود. که بجای خود از آن سخن خواهیم گفت.

نکته درخور تذکر. در جداول آماری، تعداد نمایندگان که به پرسشنامه‌ها پاسخ داده‌اند قید شده است نه کل نمایندگان هر دوره قانونگذاری

در چاپ قبل موضوع مورد بحث بخش سوم مشخصات اجمالی نمایندگان در بیست و یک دوره قانونگذاری بود. حال آنکه این برنامه با مشخصات کامل و تفصیلی در مجلدات دیگر انتشار خواهد یافت. و در این مجموعه تنها به ذکر اسامی نمایندگان ۲۴ دوره قانونگذاری و ادوار نمایندگی آنها برحسب حوزه انتخابیه اکتفا شده است. ضمناً در چاپ جدید متن قانون اساسی دوره مشروطیت و متمم آن با تغییراتی که در طول زمان پیدا کرده است آورده میشود. تا به توضیحی که در بخش اول کتاب تحت عنوان تحلیلی از قانون اساسی آورده شده است، روشنی بیشتری به‌بخشد.

زهره شجعی ۱۳۷۰

منشاء و سیر مشروطیت در ایران

کتاب حاضر ثمره کوششهای ممتد و خستگی ناپذیر خانم زهره شجعی میباشد که با پشتکار توأم با صداقت و ایمان که شرط اساسی توفیق در هرگونه کار علمی است و همچنین بکار بردن روش تحقیق جامعه‌شناسی در شمار برنامه تحقیقی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی تحت نظارت همکار دانشمند و محترم آقای دکتر شاپور راسخ بانجام رسیده است.

شاید در وهله اول چنین بنظر رسد که موضوع این کتاب یعنی بررسی درباره منشاء اجتماعی نمایندگان ادوار مختلف مجلس شورای ملی و تفحص درباره عواملی که منجر به اعلان مشروطیت شد در مقایسه با مسائل اجتماعی حاد و پیچیده و متعدد زندگی اجتماعی کنونی که بمثابة دریای متلاطمی دائماً در معرض دگرگونی میباشد و هیچگونه تصویر ثابتی نمیتوان از آن در ذهن ترسیم نمود چندان حائز اهمیت نمیباشد و حال آنکه برای درک و تفهیم و شناسائی مسائل اجتماعی کنونی کمال ضرورت را دارد. خاصه آنکه سایه این گذشته بر اثر خصوصیات سیاسی و اجتماعی و روانی هنوز به محیط فعلی این مرز و بوم دامن کشیده است زیرا بعد زمانی در زندگی اجتماعی دارای مفهوم دیگری میباشد که در چهارچوب زندگی فردی قابل انطباق نیست بطوریکه میتوان گفت جامعه در نتیجه تطور و تحول و تأثیراتی که عوامل مختلف بر یکدیگر اعمال میکنند گذشته را با آینده مرتبط کرده و درهم می‌آمیزد خصوصاً گذشته‌ای که چندان دور نباشد و بالاخص چنانچه این گذشته را از نقطه نظر سیاسی و اجتماعی منظور مطالعه قرار دهیم.

مجموعه حوادثی که منجر به ظهور و تکوین مشروطیت ایران گشت شاخص دوران نو در تاریخ ایران است همچنانکه (رنسانس) در جوامع غربی آغاز ایام جدید بشمار میرود بقسمی که پنج قرن پس از آن فلسفه و طرز زیستی که زاده «رنسانس» بود در اروپا و امریکا ضامن تعمیم عدالت اجتماعی و گسترش آزادی بنحو عمیق در سایه قوانینی که موجد مساوات حقوق کلیه افراد جامعه است و بالاخره برخوردار از تنعمات مادی تمدن ماشینی گردید.

هدف انقلاب مشروطیت ایران نیز متوجه تحقیق همینگونه مسائل بود هدفهایی که پس از حدود شصت سال که از آغاز مشروطیت میگذرد جامعه ایران هنوز به برخی نائل نگردیده و بعضی را در نتیجه تحولات بصورت دیگری حائز شده است بدیهی است برخی از این منظورها نیز کاملاً حاصل گردیده و جنبشی که خود در نتیجه حصول این هدفها بوجود آمده و هم خود بحصول آنها مدد میرساند در ایران کنونی مشهود است. درباره انقلاب مشروطیت ایران که میتوان گفت در قرون اخیر از مهمترین حوادث اجتماعی کشور ما است تألیفات و تئعات زیادی توسط محققان و مورخان ایرانی و خارجی انجام یافته است با تمجید و تحسین این آثار که اغلب نوشته کسانیست که از روی اعتقاد و ایمان و در عین بی‌غرضی (خود) شاهد صدیق بوده‌اند معجزانه گفتنیها بسیار است زیرا انقلابات اجتماعی بعلت پیچیدگی و تعدد عوامل و آثار نظیر دیگر حوادث تاریخی و اجتماعی که بسادگی قابل توصیف و تفسیر است نمیباشد.

انقلاب مشروطیت ایران نظیر دیگر انقلابات عمده سیاسی در نتیجه نوعی تغییر حالت و روحیه در افراد مملکت بوقوع پیوست بعبارت دیگر یک عمل دستجمعی بود که در آن تعداد زیادی از افراد بالاخص افراد طبقات مؤثر جامعه سهمی اساسی داشتند و این حرکت و جنبش عمومی ثمره سیر تکوینی بطی و طولانی بود که باید ریشه آنرا از اواخر دوران صفویه جستجو کرد زیرا انقلاب مشروطیت ایران منتجه نهضت فکری و تحول اجتماعی ریشه داری که دارای دو قرن و نیم سابقه است مییاشد یعنی از آنهنگام که رونق کار و صنعت و تجارت رو بکاهش نهاد و بتدریج قدرت صنعتی و نظامی و سیاسی ایرانیان در برابر اقتصاد و تمدن توانمند و شکوفان اروپائی بسوی انحطاط گرائید ایرانیان با اعجاب چشم امید بمغرب زمین دوختند از زمان جنگ با پرتقالیها که سرداران صفویه بقدرت نظامی اروپائیان پی بردند برتری صنعتی و فنی اروپائیان برای مردم متفکر

و صاحبنظر امری محرز گردید ولی سلطه و نفوذ سنن و عادات گذشته از موانع عمده تغییر مسیر بود هر چند تبدیل سلسله‌های سلاطین از صفویه با فشاریه و زندیه و قاجاریه فقط چهره حکام را تغییر میداد بدون اینکه نظام اقتصادی و فلسفه زندگی اجتماعی دگرگون شود. ولی در عین حال نظیر هر تغییر آشکار سیاسی مبین یک سلسله تغییرات نامرئی اجتماعی بود یعنی حاکی از بروز یک تشنج عمیق در وضع زندگی جامعه بود که از اواخر دوران صفویه شروع شده بود زیرا بعلت درهم کوفته شدن زیربنای اقتصادی مملکت نه کشورگشائی و دلآوری نادرشاه و نه مملکت داری و تدبیر کریم خان و نه جلادت و شدت عمل آغا محمدخان قادر نبود تعادل اقتصادی و اجتماعی دوران صفویه را بازگرداند فقط تعادلی که بدست آمد پس از جنگهای فتحعلی شاه با روسیه بود که باید آنرا آخرین هیجان و تلاش دانست که بدل بیاسی عمیق گردید و از آن به بعد داعیهها فروکش کرد و کشور ما از نظر اقتصادی بحالت وابسته تغییر وضع داد در این دوران (قاجاریه) تعادلی بوجود آمد ولی در سطحی پائین‌تر از گذشته و از طرف دیگر جنگهای فتحعلیشاه با روسیه و شکستهای پی در پی ضربه مؤثری به سیستم معتقدات و هیمنه قدرت واهی زد و از آن به بعد اذهان دور اندیشان واقع بین راه چاره را پی روی از طریق و تدابیر فنی و سیاسی و اقتصاد غربیان دانستند - ابتدا قائم مقام مشاور مدبر عباس میرزا با اعزام جوانان مستعد بفرنگستان و سپس میرزا تقی خان امیر کبیر با شروع اصلاحات عمیقی که همه شئون لشکری و کشوری را دربر گرفت خاصه با تأسیس دارالفنون سبب شدند علوم و فنون غربی اشاعه یافته و تماس بلاانقطاع با تمدن و زندگی ملل مرفقی برقرار گردد.

انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه بوسیله امیر کبیر و چاپ و انتشار کتب و جزواتی که ترجمه آثار متفکران غربی بود بتدریج موجب آگاهی بیشتر افراد مملکت از کم و کیف پیشرفتهای ملل اروپائی گردید. نویسندگان متعددی از میان افراد دانشمند و حتی اشراف ناراضی برخاستند که در زمینه آشنا کردن ایرانیان بمبادی تمدن و نظام سیاسی اروپائیان بعمق تمدن و فرهنگ و پیشرفتهای علمی و صنعتی و نهضت‌های فکری پی برده بصورت نخستین مبشرین و منادیان تمدن اروپائی درآمدند و با نشر جزوات متعدد افکار و عقاید جدید را درباره شئون گوناگون زندگی اجتماعی اشاعه دادند و انتقادات طنزآمیز آنها در شکستن ساختمان فکری کهنه و درهم کوفتن معتقدات رجال و

درباریان پر ادعا و کم مایه اثری عمیق داشت و با الهام از افکار حکما و فلاسفه فرانسوی از قبیل ژان ژاک روسو و منتسکیو و ولتر عقاید مربوط به حاکمیت ملی و حکومت قانون و آزادی را تبلیغ کردند از آنجمله است ملکم خان که با شناسائی کامل به تمدن اروپائی افکار وی تحت تأثیر نهضت فکری سن سیمون که مبتنی بر توأم ساختن فن کشورداری نوین با پیشرفتهای علمی و صنعتی بود قرار گرفت.

از مطالعه مقالات و کتابچه‌هایی که در زمینه مسائل گوناگون اجتماعی انتشار داده است خصوصاً نظریه‌هایی که درباره تجدید سازمان اقتصادی و اجتماعی کشور بیان داشته و اشاراتی که باهمیت کار علمای اقتصادی و «مدیران» و متخصصان کرده است و تذکر این مطلب که کشور ما برای تجدید عظمت گذشته به «کارخانه آدم‌سازی» صحیح احتیاج دارد بخوبی برمیآید که ملکم باصول و مبادی نهضت فکری سن سیمون آشنائی داشته است زیرا هنگامیکه ملکم خان دوران نوجوانی را در مدارس فرانسه میگذرانید مصادف با غلیان افکار سیاسی و اجتماعی سالهای قبل از انقلاب ۱۸۴۸ در کشورهای اروپائی بود و در این زمان افکار سن سیمون در میان روشنفکران فرانسه طرفداران بسیار داشت و همچنین حکیم فرانسوی اگوست کنت پایه‌گذار جامعه‌شناسی که مؤسس فلسفه تحصلی (تحقیقی) و مبشر مذهب انسانیت بود تجدید خواهی و آزادی طلبی را ممزوج با عشق و اعتقاد بانسانیت ترویج میکرد اینگونه افکار افق وسیع و پهنآوری در مقابل دنیای تنگ و بسته رجال خودخواه دربار قاجار و روحانیون که بر اثر عقب ماندن از پیشرفت علوم با تعصب فراوان در حفظ آن میکوشیدند میگشود.

بدین نحو مقالات و نوشتجات ملکم و سپس انتشار روزنامه قانون که بهمت وی شانزده سال قبل از انقلاب مشروطیت در لندن تأسیس شد و همچنین قبلاً روزنامه عروه‌الوثقی که بوسیله سید جمال‌الدین اسدآبادی با همکاری شیخ محمدعبد رحل انقلابی مصر در پاریس انتشار مییافت و روزنامه ثریا که با بیانی تند و مؤثر بوسیله محمدعلی‌خان شیبانی (معروف به پرورش) در قاهره مبلغ افکار جدید بود و جبل‌المتمین کلکته و کتب تألیفات دیگر ایرانیان از قبیل عبدالرحیم طالب‌اف در قفقاز و میرزا آقاخان کرمانی در استانبول سبب شد که افکار جدید از هر سو بداخل ایران رسوخ یابد و بتمایلات و انگیزه‌های گروه‌ها و طبقاتیکه دارای زمینه مستعد و مشتاق تغییر و

دگرگونی نظام اجتماعی و اداری کشور بودند قالب و شکل مناسب بخشید. مسلم است برخی گروه‌ها و طبقات اجتماعی برای پذیرفتن عقاید نوین انقلابی واجد زمینه فکری آماده‌تری بوده‌اند.

هرچند انقلاب مشروطیت ایران را نمیتوان از جمیع جهات انقلابی بورژوازی دانست زیرا در آنزمان هنوز وضع اقتصادی ایران بیپایه‌ای نرسیده بود تا طبقه‌ای نظیر بورژوازی کشورهای اروپائی که عامل و هادی انقلابات سیاسی قرون هیجده و نوزده بود بوجود آید ولی مداخله در تاریخ اقتصادی و اجتماعی قرن گذشته ایران وجود دستجات و گروه‌هایی را معلوم میدارد که از جهاتی دارای برخی خصوصیات اجتماعی هستند که تا حدی با بورژوازی اروپا در قرون بعد از رنسانس قابل قیاس می‌باشد.

مقدمتاً ذکر این نکته بجاست که در مقابل فئودالیت در اروپا که قرن‌ها حاکمیت و قدرت خود را خاصه در روستاها مستقر ساخته بود طبقه بورژوازی بتدریج از سوداگران و صنعت‌گران در شهرها بوجود آمد و این طبقه که اساس قدرتش برخلاف فئودالیت نه متکی بزمین بلکه بر علم و صنعت و تجارت مبتنی بود طالب اسلوب اقتصادی متحرک و لغو امتیازات فئودال‌ها و برقراری نظام اجتماعی که تأمین منافع گروه‌های وسیعتری را دربر گیرد بود. باینجهت هدف بورژوازی در جهت مخالف منافع فئودالیت که حفظ وضع موجود بود قرار داشت شهرها بصورت مراکز و سنگر گاه‌های قدرت بورژوازی درآمد بطوریکه قرن‌ها قبل از انقلاب کبیر فرانسه و دیگر انقلابات سیاسی اروپا شهرها صحنه ایجاد نظامات اداری و محلی بتوسط بورژوازی گردید بطوری که انجمن‌های شهری در اکثر کشورهای اروپائی دارای چندین قرن سابقه وجودی میباشند و این انجمن‌ها و نظامات شهری نخستین هسته‌های اعمال حاکمیت ملی و تمرین و مشق مملکت‌داری است که بعدها به بورژوازی فرصت تعمیم و بسط آنرا بسراسر شئون مملکتی داده است.

ولی در ایران مالکین بزرگ بعلت خشکی هوا و دور بودن دهات از یکدیگر بعکس فئودال‌های اروپائی که حاصلخیز بودن زمین امکان استقرار در منطقه محدودی را بآنها میداد ناگزیر به بسط قدرت خود در مناطق وسیعی بودند که دامنه آن بشهرها کشیده میشد و اکثر مالکین بمنظور نظارت بر این مناطق وسیع خصوصاً راه‌ها در آن واحد بصورت سران ایلات و عشایر درآمد در شهر و ده صاحب نفوذ اصلی بودند و در صورت ضعف دولت مرکزی این نفوذ بحکومت مطلقه بدل میگشت.

بروزگار صفویه که صنعت و تجارت رونق داشت و هنوز مصنوعات ایرانی مقهور کالاهای ماشینی اروپائی نشده بود سلاطین این سلسله بمنظور حصول منفعتی که از راه صنعت و تجارت عاید دستگاه دولتی میشد در بسط تأمین راهها میکوشیدند ولی از اواخر دوران صفویه بعلت فقر و انحطاط صنایع و در نتیجه تجارت بتدریج نفوذهای محلی قدرت خود را بازیافتند و تجار و صنعتگران در مقابل مالکین و حکام محلی به طبقه‌ای زبردست و منکوب مبدل شدند از اینرو این طبقه که همچنان رؤیای دوران طلائی صفویان را در سر میپروراند از اواسط دوران قاجاریه کوششی را از نو آغاز کرد لکن بدلائل اقتصادی (ضعف تکنولوژی) و سیاسی (امتیازات دول خارجی) و اجتماعی (نفوذ و قدرت مالکین) موفق به تجدید رونق و احیای صنعت و تجارت گذشته نگردید. عدم کامیابی این طبقه را ناراضی ساخت خصوصاً اینکه حکومت بخواسته‌هایش یعنی استقرار امنیت داخلی و حفظ منافع تجاری ایران در خارج بی‌اعتناء بود و در صورت تمایل نیز بعلت عدم توانائی از عهده انجام آنها بر نمی‌آمد بنابراین ایجاد امنیت و عدالت و مقاومت در مقابل قدرت خارجی جزء شعار و هدفهای این طبقه در آمد و چون تجار ایرانی عادت داشتند بدنبال مالالتجاره خویش حرکت کنند با احداث راه آهن و خطوط کشتی رانی در کشورهای خارج سهل‌تر و دورتر سفر کردند و در شهرهای مختلف اجتماعی از ایشان بوجود آمد و بالنتیجه ارتباط مستقیم و مستمری با زندگی و تمدن اروپائی برقرار شد این ارتباط با روسیه بیش از دیگر ممالک توسعه داشت بقسمی که در بعضی از شهرهای آن کشور خصوصاً قفقاز تعداد ایرانیان که به تجارت و کسب و کار در کارخانجات و چاههای نفت میپرداختند بچندین هزار بالغ گردید و از اینجا بود که از میان این توده انبوه که قویاً تحت‌تأثیر آرمانهای انقلابی روسیه قرار گرفته بودند مجاهدان قفقاز و فدائیان برخاستند و در سالهای اول مشروطیت بسر کردگی پیرم وحیدرعمواغلی بصورت پاسداران اسلحه بدست مشروطیت درآمدند. خلاصه آنکه تماس افراد طبقات متوسط با تمدن اروپائی و آشنائی بفعالیت و ترقیات دنیای جدید صنعت در مقابل تحجر و درج‌زدن سیستم حکومتی موجب افزایش حس عصیان و ناراضائی این طبقات بود در حالیکه داد و ستد تجار در داخل و خارج کشور و مراودات آنها با یکدیگر شبکه ارتباطی مؤثری بوجود آورده بود که در نشر و اشاعه افکار جدید سهم بسزائی داشت زیرا از سال ۱۲۸۰ هجری قمری تأسیس پست و چاپار اتحاد بین تجار را بوجود آورده بود و

بدین نحو تجار و بازاریان وسیله انتقال افکار آزادی خواهی و حکومت قانونی و اصلاحات اجتماعی و مبارزه با قدرت حکام بمنظور تأمین منافع خود که در لفظ حکومت مشروطه خلاصه میشد گشتند و باقسام مختلف بصرف آزادی خواهان و مشروطه‌طلبان پیوستند از آنجمله است حمایت مؤثر آنان در انتشار جراید و نشریات انقلابی در داخل و خارج کشور. ضمناً توضیح این نکته لازمست که از انعقاد معاهده ترکمنچای بیعد ورود آزادانه کالاهای روسی و سپس دیگر کشورهای اروپائی صرفنظر از تأثیر اقتصادی که بالمال موجب تضعیف صنایع داخلی بود نتیجه دیگری دربرداشت و آن آشنا کردن مردم بصنایع و فنون جدید بود مصرف و استعمال مصنوعات متنوع خارجی اهالی کشور را بماهیت علوم و فنون و ترقیات اروپائیان در زمینه‌های مختلف متوجه ساخت و چون تجار و بازاریان خود عامل اصلی ورود این مصنوعات بودند بیش از دیگران از نظر روحی تحت‌تأثیر قرار میگرفتند.

همراه و متفق عمده این طبقه روحانیون بودند زیرا حق مکتسب و اثبات حقوق این طبقه را شرح اسلام تأیید میکرد و روحانیون از دیرگاه سمت رهبری معنوی را بر آنها داشتند از حل مسائل خانوادگی و احوال شخصی گرفته تا امور مربوط بداد و ستد و بالاخره زندگی دینی آنان با روحانیت ارتباط داشت در حقیقت روحانیان و بازاریان دو دسته از مردمان مؤثر شهر بودند که مکمل و محتاج یکدیگر بودند.

روحانیت شیعه که از زمان صفویه قدرت و قوام بسیار یافته و در امور دینی و دنیوی حائز اختیارات بسیاری بود از زمان نادرشاه سلطه گذشته را از دست داده بود از یکطرف دولت قاجاریه روحانیت را قدرتی رقیب می‌پنداشت و با جدا کردن امور شرعی از امور عرفی و اختصاص امور عرفی بدولت در صدد تضعیف قدرت روحانیت برآمد و از طرفی دیگر پیشرفت علوم و معارف اروپائی سبب شد که دستگاه روحانیت که در گذشته قلمرو آن بهمه جنبه‌های معنوی و علمی جامعه کشیده میشد بصورت یکدستگاه مندرس و کهنه جلوه کند و بر اثر آن دو جریان مختلف در نزد روحانیون بوجود آمد یکی تعصب در قشری بودن و اکتفا بظواهر و تشریفات خارجی منهای روح خلاق و هدف غائی دین و دیگری کوشش در انطباق اصول و مبانی دین با پیشرفتهای جدید و جهاد در راه تعالی جامعه زیرا مبلغینی از قبیل سید جمال‌الدین اسدآبادی فلسفه و منطق این مبارزات را برای آنان روشن کرده بودند دسته اول با بهره‌ایکه از قدرت و نفوذ دربار

و حکام برمیگرفتند طرفدار نظام موجود بودند و دسته دوم که اغلب روشنفکرتر بودند همراه و هم رای مشروطه‌طلبان و متجددین گردیدند و با آگاهی کامل یا ضمنی تجدید قدرت خود را در رهبری مبارزات ملی می‌دانستند و واقعه رژی و منع استعمال تنباکو به جرئت و جسارت سیاسی آنها افزود زیرا در این واقعه روحانیون شیعه توانستند از دو سلاح اجتماعی دین یعنی تحریم در استعمال شئی و تکفیر افراد بغایت استفاده کنند و از آن پس در هدایت نهضت‌های ملی مسئولیت بیشتری را برای خود قائل شدند و در صدد بودند که از اینراه اعتبار از دست رفته را باز یابند.

از عواملی که در سوق دادن روحانیت بسمت هدف‌های مشروطیت تأثیر بسزا داشت علمای نجف یعنی دارالعلم شیعیان بودند زیرا علمای مذکور که از هرگونه اشرافیتی بدور بوده و بتعالیم اساسی شیعه نزدیک بودند و زندگی ساده و عاری از تجمل آنان موجب تقویت صفات حریت و آزادگی و احترام بشخصیت انسانی در آنان بود خصوصاً آنکه بعلت خارج بودن از حیطة تسلط مستقیم حکومت وقت قدرت مستقلی در مقابل دربار قاجاریه تشکیل میدادند و از طرفی متأثر از بعضی از اقدامات و پیشرفت‌های اجتماعی و سیاسی عثمانی و تا حدودی دول دیگر بوده باین علل علمای نجف فرصت مناسبی یافتند تا احساسات باطنی و همیشگی ضد حکومتی خود را از قوه بفعل آورده و در برابر تجمل‌پرستی و سستی و اهمال حکومت قاجاریه قدهلم کرده شیعیان را بمبارزه با آن و همچنین با نفوذ روزافزون خارجی ترغیب کنند.

در باب تأثیر علوم و معارف غربی میتوان گفت دارالفنون و مدارس که بعد از آن بتوسط بعضی از رجال اصلاح طلب ناصری و میسیون‌های مذهبی خارجی از اوائل دوره ناصرالدین شاه به بعد در تهران و دیگر ولایات تأسیس شده بود موجب آشنائی طبقات مختلف شهری با علوم و معارف جدید بود ولی سیستم حکومتی و طرز اداره مملکت بموازات این رشد و نمو فکری پیشرفت نمیکرد و پیش از پیش بعنوان مانع و رادعی در انجام افکار و مقاصد اصلاح طلبانه بچشم میخورد.

بدین نحو بتدریج قسمتی از اعیان و اشراف که میتوان آنان را به یک نوع اشرافیت درجه دوم تشبیه کرد و همچنین مستوفیان و اداریانی که در اثر علم و آگاهی وارد دایره اعیان شده بودند بخصوص مأمورین وزارت امور خارجه که سالها در کشورهای خارج بسر برده و بر رمز موفقیت دیگر کشورها و فلسفه تشکیلات جدید پی برده بودند

دارای تمایلات مشروطه‌طلبی گردیدند. عدم موفقیت رجال روشنفکر و اصلاح طلب دوران ناصرالدین شاه از قبیل میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا یوسف خان مستشارالدوله که با رویه اعتدالی در صدد وضع قوانین و برقراری نظامات متناسب با روحیه عصر جدید و احتیاجات مملکت بودند گذشته از آنکه تجربه آموز بود به رسوخ و ماهیت عقاید و افکار ایشان میافزود با پیشرفت این نوع افکار و خاصه با ظهور یک نوع اشرافیت درس خوانده یا ناراضی تعداد قابل ملاحظه‌ای از اعیان و اشراف نیز بتدریج طرفدار حکومت مشروطه (مشروطه‌خواه) گردیدند.

افزایش تعداد افراد ایل قاجار پس از چندین سال سلطنت سبب شده بود که اکثر مقامات مهم به افراد این خاندان تفویض گردد همین امر موجبات عدم رضایت عشایر و ایلات دیگر را فراهم میکرد بطوریکه سران ایل بختیاری نیز بعلت صدماتی که از حکومت قاجاریه خورده بودند و همچنین بعلت آشنائی با افکار و عقاید جدید که از راه تحصیل در خارج برای عده‌ای از آنها حاصل شده بود متمایل بمشروطه گشتند و سهم مؤثری خصوصاً در مبارزه با دولت مستبد محمدعلی شاه و فتح تهران برعهده داشتند. خلاصه آنکه مجموعه این عوامل و تأثیر نهضت‌های آزادیخواهی کشورهای همجوار از قبیل حزب سوسیال دموکرات در روسیه و حزب اتحاد و ترقی در عثمانی منجر به تکوین نهضتی شد که در آغاز شعار آن برقراری قانون و ایجاد عدالتخانه بود و سپس تعمیم بیشتری یافت و مبدل به جنبشی ملی گردید که هدف آن تنظیم و تفکیک قدرت و اختیارات دولت و ملت و نظارت نمایندگان ملت در امور عمومی بود.

شکست نیست که رقابت دو دولت نیرومند خارجی (خصوصاً سیاست دولت انگلیس که مادام که حکومت بصورت سابق باقی میماند همچنان سیاست دولت ایران را تحت تأثیر سیاست دولت روسیه میدانست) مؤثر در بیداری ایرانیان و پیشرفت کار مشروطه‌طلبان بود ولی جریان عمومی و هدف نهائی نهضت مخالف با نفوذ بی حد خارجیان بود کماینکه از نخستین نتایج توافق میان این دو سیاست جلوگیری از گسترش فکر مشروطه و نتایج اصلی آن بود.

* * *

در دوره اول مجلس که هنوز شعله‌های انقلاب فروزان بود و انتخابات جنبه طبقاتی داشت نمایندگان این دو دوره اکثراً مظهر واقعی طبقات و گروه‌هائی بودند که در

ایجاد مشروطه سهم اساسی داشتند بطوریکه بررسی شغل نمایندگان نشان می‌دهد در دوره اول بیش از چهل درصد نمایندگان از تجار و اصناف بودند دوره بعد این نسبت به نه درصد تقلیل مییابد بالعکس نسبت ملاکان بدو از ۲۱ درصد به سی درصد و سپس همچنان با افزایش میگراید بطوریکه از دوره ششم تا دوره بیستم حدود پنجاه درصد نمایندگان را ملاکان تشکیل می‌دهند. از مطالعه وضع شخصی و اجتماعی و کلاهی دوره دوم بخوبی برمیآید که مالکان بمحض اینکه از حالت غافلگیری دوره اول مشروطیت خارج شدند در دوره دوم کسان و عوامل خود را وارد مجلس کردند ولی از دوره سوم بخوبی وضع خود را با وضع جدید منطبق کرده و از این به بعد مستقیماً و شخصاً وارد مجلس شدند چون در مجلس اول انتخابات جنبه طبقاتی داشت باین جهت طبقات بازاری و شهری توانستند صاحب نفوذ عمده‌ای باشند ولی بعداً قانون انتخابات طوری تنظیم گردید که عملاً مالکین مقام اول را بدست آوردند. در حقیقت باید گفت دموکراسی که بعضی آنرا حکومت عدد خوانده‌اند وقتی بدون مفهوم و معنای واقعی که در جامعه غربی وجود دارد به یک کشور غیرصنعتی وارد شد بصورت وسیله‌ای درمیآید که فقط کسانی که گروه متشکلی در اختیار دارند از آن بهره‌مند میگردند.

نتیجه آنکه تجار و اصناف که عوامل یکنوع بورژوازی میباشند و سهم اصلی را در مشروطیت داشتند بعلت ضعف بنیه صنعت و تجارت مملکت نتوانستند مدت کوتاهی مقام اول را در سیاست دارا باشند و چون نظام اقتصادی و اجتماعی همچنان در دست مالکان بزرگ بود آنان بزودی دستگاه حکومتی جدید را در دست گرفتند. بدون شبهه یکی از دلائل شکست این طبقه این بود که در مقایسه با بورژوازی کشورهای اروپائی یک طبقه مولد و سازنده متاع ماشینی نبود بلکه فقط واردکننده آن بود و علیهذا از خود نیروی مستقلی نداشت. ولی مطلب شایسته دقت اینست که مشروطیت ایران در شهرها نفع گرفت و مردم طبقات متوسط از مدافعین اولیه آن بودند و زمانیکه در دوران استبداد صغیر نهضت مشروطه طلبی جنبه مبارزه مسلح بخود گرفت بتدریج بدست نیروهای غیرشهری یعنی ایلات و عشایر افتاد. چه شد که افراد یک ایل که طبق رسوم و سنن زندگی کوچ نشینی بسر می‌بردند و تابع نظام نیمه فئودالی و نیمه عشیره‌ای بودند بصورت یکی از عوامل مؤثر مشروطیت درآمدند؟ در صورتیکه از جهت بحث نظری و ایده‌الوژی طبقاتی رابطه‌ای میان زندگی عشیره‌ای و آرمان‌های انقلابی نظیر مشروطیت

ایران وجود نداشت بعبارت دیگر عشایر نمیتوانستند خواهان همان رژیم سیاسی باشند که بازاریان و تجار بدنبال آن بودند.

شاید بتوان مداخله ایلات را چنین تعبیر کرد که هنگامیکه بحران رژیم آغاز شده بود و مردم شهرنشین برای در دست گرفتن قدرت وارد صحنه مبارزات سیاسی شده و در اینراه موفقیت بی‌سابقه‌ای بدست آورده بودند ولی بعلت عدم توانائی در نگه داشتن آن در برابر قدرت مالکین و عشایر آخر الامر بقسمتی از همین قدرت پناهنده شدند. کمک این قسمت از نیروهای مسلط گذشته که عشایر بختیاری بودند توانست مشروطه خواهان را به پیروزی برساند و ناگزیر کسانی که در این پیروزی سهم مؤثر داشتند مشروطیت بازیافته را تحت تأثیر روحیه و افکار و منافع خود قرار دادند در حقیقت پس از چند سال کشمکش میان مردم شهرنشین و نیروی خارج از شهر مجدداً قدرت در دست نیروهای عشایری و مالکین افتاد.

بی‌شک جانبازی و دلاوری‌های مردم شهرهای ایران خصوصاً تبریز و رشت و اصفهان و مشهد از هنگام بستن مجلس بدست محمدعلی شاه تا فتح تهران و سپس در مقابله با التیماتوم دولت روسیه علیرغم ستمگریهای قوای آن دولت تا مبارزه با قیامهای همدستان محمدعلی شاه خصوصاً فدکاری و مجاهدت فدائیان از صحنه‌های افتخارآمیز تاریخ ایران بوده و دلیل براین است که جنبش مشروطیت ریشه‌هایی در میان توده مردم خصوصاً شهرهای بزرگ ایران داشته‌است.

ولی چه شد که نتیجه مطلوب حاصل نگشت؟ آیا ایده آل‌ها و شعائر انقلابیون بلندپرواز ایران منطبق با امکانات زندگی واقعی ایران نبود؟ یا اگر مشروطه خواهان با اعتدال بیشتری عمل میکردند از جانبازی‌های ایشان ثمرات و نتایج مفیدتری عاید میشد؟ آیا همچنانکه برخی از مورخین خارجی معتقدند محیط سیاسی و اجتماعی آن زمان ایران قابلیت جذب قانون اساسی و متمم آن را حائز نگردیده بود؟ آیا نگرانی بیگانگان و حتی آن دسته که در ابتدا از فکر مشروطیت حمایت میکردند از به ثمر رسیدن کامل یک انقلاب ملی که میتواند اثرات عمیقی در آسیا از خود بجای گذارد موجب انحراف و تا حدی وقفه نهضت گردید؟ آیا اصولاً مشروطیت با هیجان و شور و جنبشی که در میان عده‌ای افراد روشن فکر بوجود آورد بیشتر یک نهضت فکری و ادبی بود تا یک انقلاب عمیق اجتماعی؟ آیا علم و دانش طبقات حاکم در ایران طی شصت

سال گذشته رابطه با مقام و قدرت اجتماعی آنان داشته است؟ آیا روحانیت با همه نفوذ عمیق خود در میان عامه مردم از نظر سیاسی قدرت مستقلی بوده و یا تابع نوسانات قدرت طبقات دیگر بوده است؟ آیا افراد مؤثر طبقه حاکمه تا قبل از اصلاحات ارضی که یک دگرگونی طبقاتی بهمراه دارد تعداد معدودی را تشکیل میداد و مقام و قدرت سیاسی در میان آنان موروثی بود؟ آیا عقب‌نشینی و شکست طبقه تاجر و بازاری در صحنه سیاست، یعنی کسانی که میتوانستند نظیر بورژوازی مغرب‌زمین در صورت موفقیت سهم اساسی در تحولات اقتصادی و اجتماعی نیم قرن اخیر بعهده داشته باشند، باین نظریه منجر نمیشود که احتمالاً چنین طبقه‌ای فرصت تاریخی و امکان رشد وسیع خود را برای همیشه از دست داده باشد؟ و آیا میتوان ادعا کرد که در ایران نیز نظیر سایر کشورهای جهان قدرت و مقام اجتماعی از آن کارشناسان و مدیرانی خواهد بود که روز بروز در حال کسب اهمیت بیشترند، آیا افزایش تدریجی نسبت اداریان در ادوار اخیر قانونگذاری نمیتواند مؤید این مطلب باشد و نباید آنرا نشانه نضع و پیشرفت یک طبقه جدید در کشور دانست؟ طبقه‌ای که در آینده بصورت مدیران و رهبران دستگاههای تولیدی و سازمانهای اجتماعی کشور در خواهد آمد و عملاً وظایف تاریخی بورژوازی کشورهای مغرب‌زمین را در یک اقتصاد جدید ارشادی ایفا خواهد کرد؟

اینها مسائلی است که مؤلف محترم کوشش کرده است در مقدمه کتاب و بازحمت زیاد از راه گردآوری اطلاعات که در جداول مربوط به شغل نمایندگان و شغل پدران آنها و میزان تحصیلات و تکرار ادوار نمایندگی و شرح حال نمایندگان بیست و یکدوره قانونگذاری نمایان است تا حد امکان بآنها پاسخ گوید.

برای عده‌ای ممکن است این سؤال پیش آید که بعزل مداخلات گوناگون و وضع قانون انتخابات و طرز اجرای آن کلیه ادوار قانونگذاری مظهر و نشانه تمایلات سیاسی و اجتماعی اهالی کشور نبوده و نمیتوان کیفیت آنرا ملاک و مبنای یک مطالعه علمی قرار داد ولی آنچه از نظر چنین مطالعه‌ای قابل توجه است اینست که در هر حال ساختمان طبقاتی مجلس در ادوار مختلف خود نشانه و مظهری از ساختمان قدرت‌های موجود بوده و معرف وضع طبقات اجتماعی و میزان تأثیر هر یک در زندگی سیاسی کشور بوده است.

بهر صورت مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی خوشوقت است در آستانه

شصتمین سال اعلان مشروطیت از راه یک پژوهش علمی در راه شناسائی کامل‌تر یکی از مهمترین و شورانگیزترین حوادث تاریخ معاصر ایران یعنی انقلاب مشروطیت و چگونگی ترکیب مجلس و منشاء اجتماعی نمایندگان ادوار قانونگذاری ایران در این مدت شصت سال بسهم خود قدمی بردارد.

دکتر احسان نراقی

۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۴۴

نظریه تکیه می‌کنند که میان طبقه فرد و مشخصاتی که نام بردیم همبستگی وجود دارد. عبارت دیگر طبقات برتر غالباً ثروت بیشتر دارند یا شغلی ممتاز را اشغال کرده‌اند و یا در دستگاه حکومت صاحب نفوذ و اقتدار هستند و یا از احترام اجتماعی خاصی برخوردارند. از جمله ایرادهایی که بر این روش وارد است یکی آن است که در جامعه دموکراتیک بسیاری از اعضای طبقات کمتر ارتقاء اجتماعی حاصل می‌کنند و بمدارج عالی تحصیل یا مشاغل بزرگ دست می‌یابند و دیگران که بگفته ما کس و بر Max Weber قدرت سیاسی، قدرت اقتصادی و قدرت اجتماعی همواره با یکدیگر جمع نمی‌آیند و در بسیاری از جوامع صاحبان هر یک از این سه قدرت، از قدرتهای دیگر بی‌بهره هستند و هر یک از آن سه جداگانه در شیوه رفتار، سبک زندگی و میزان بهره‌مندی از امکانات و امتیازات اجتماعی مؤثر است.

روش ذهنی Methode. subjective بر این اساس است که افراد جامعه طبقه اجتماعی را چگونه تعریف می‌کنند و خود را از کدام طبقه می‌دانند و دیگران را نیز بکدام طبقه متعلق می‌خوانند (خودسنجی و دیگرسنجی طبقاتی) این روش هم از خطا برکنار نیست زیرا اثبات این مطلب مشکل است که همیشه فکر و سنجش مردم با واقعیت منطبق باشد.

نگارنده این سطور گرچه از نارسایی روش‌های تحقیق در طبقات اجتماعی غافل نبوده است اما نظر با اهمیت چنین تحقیقی از سالی چند پیش از این با همکاری گروهی از پژوهندگان جوان باین کار خطیر دست زد و هنوز در این مسیر چندان پیش نرفته بود که توجه باین نکته حاصل کرد که شناسائی ساختمان جامعه ایران، بدون آگاهی بر مشخصات و خصوصیات افراد برگزیده « Elite » که در زمینه‌های مختلف و از جمله در سیاست مراتب عالی را احراز کرده‌اند به نتیجه نمی‌رسد. حسن مطالعه شخصیت‌های نخبه جامعه این است که از جهت شماره محدود هستند و درباره آنها تحقیقات دقیقتر مقدور است و حال آن که تعمق در نظام کلی جامعه کاری است که هم مستلزم فرصت طولانی است و هم در مراحل نخستین با روش‌های متعارف عینی و ذهنی بدقت صورت نمی‌پذیرد.

مطالعه در افراد نخبه هر اجتماع فواید دیگری نیز دربردارد و از جمله این که ضمن آشنایی با تعادل نیروها در جامعه کنونی، می‌توان پیش‌بینی نزدیک به حقیقتی

سخنی‌مقدماتی در باب تحقیقات راجع به برگزیدگان سیاسی

تحقیق درباره نظام اجتماعی و ترکیب طبقاتی در هر جامعه‌ای یکی از مهمترین و اساسی‌ترین انواع پژوهش‌های جامعه‌شناسی است و فواید بسیار را متضمن است. مطالعه در ساخت طبقاتی جامعه نه فقط از آن جهت سودمند است که کلید فهم و تبیین سازمان قدرت و حکومت را بدست می‌دهد بلکه از این جهت نیز فایده دارد که عامل «قشر یا طبقه» از مؤثرترین عوامل اجتماعی بشمار است و بسیاری از رفتارهای اجتماعی بهمین عامل بستگی دارد. شیوه زندگی، نوع فکر و سلیقه در قشرها و طبقات مختلف هر جامعه متفاوت است و حتی در جوامعی که بر اصول دموکراسی مبتنی است این تفاوت‌ها بچشم می‌خورد چنانکه باسانی از طرز آرایش، سخنگویی و سلوک هر فرد می‌توان حدس زد که بکدام قشر یا طبقه اجتماعی تعلق دارد. اثر قشر و طبقه بهمین‌ها محدود نمی‌شود میزان تمتع و بهره‌مندی از زندگی و مزایای آن در طبقات و مراتب مختلف اجتماعی یکسان نیست و این تبعیض حتی در مورد مرگ و میر نیز دیده می‌شود چنانکه مثلاً نسبت متوفیات نزد نوزادان و کودکان فقیر آشکارا بیش از فرزندان اغنیا است.

تحقیق در قشربندی اجتماعی کاری دشوار است و روش‌های گوناگونی که در این زمینه بکار می‌رود هیچ یک از نقص بدور نیست. جامعه‌شناسان غالباً از دو دسته روش در این گونه پژوهش‌ها نام می‌برند که عبارت از روش‌های عینی و ذهنی باشد در روش عینی Methode objective از نشانه‌های برونی طبقه بوجود آن پی می‌برند چنان که میزان ثروت یا درآمد، وضع فرد در سازمان تولید، شغل و حرفه، درجه تعلیم و تربیت و اندازه قدرت سیاسی یا حرمت اجتماعی شخص را علامت طبقه او می‌شمرند و براین

درباره تحولات آینده آن جامعه کرد و اگر نتوان در حال حاضر باضعف علوم اجتماعی از جهت آینده‌پژوهی، جزییات وقایع آتیه را معلوم داشت لاقلاً می‌توان مسیر کلی را که نظام اجتماعی در آن سیر است بتقریبی پذیرفتنی روشن کرد.

چون بررسی نخبگان را مرحله اول در طریق تحقیقات مربوط به شناخت ترکیب و نظام اجتماع ایران منظور داشته‌ایم شایسته است که در این جا مجملاً از سوابق این گونه مطالعات یاد کنیم.

* * *

مطالعه و تحقیق درباره آن که برگزیدگان عالم سیاست کیستند و چه صفات و مشخصات دارند و از کدام قشر یا گروه اجتماعی بیرون آمده و چه اثری در تحول جامعه نهاده‌اند در تاریخ تفکرات و پژوهش‌های جامعه‌شناسان سابقه‌ای دراز و ممتد دارد. از جمله فلاسفه یونان، یکی افلاطون بود که عقیده داشت در مدینه فاضله باید حاکمان از حکمت برخوردار باشند و حکیمان بحکومت دست یابند. قول باین که زعمای جهان سیاست باید در عین حال نخبه فکری و معنوی باشند نزد بسیاری از متفکران دیگر اجتماعی نیز مورد قبول بوده است. چنانکه پاره‌ای صاحب‌نظران اروپایی در قرون وسطی و کثیری از اندیشمندان مشرق‌زمین از دیرباز، معتقد بودند که رهبران سیاسی برگزیدگان و مبعوثان خدا هستند و نیز مذاهبی چون بودائی و برهمنائی که نخبگان سلسله مراتب متحجر و غلیظ کاستی Systeme de caste بوده قدرت سیاسی و دیگر امتیازات اجتماعی را بگروهی محدود و مخصوص که قشر والای جامعه باشد اختصاص داده است.

تحقیق درباره صفات و مشخصات و منشأ اجتماعی کارگردانان سیاسی از هنگام ظهور جامعه‌شناسی جدید صورت علمی گرفت و از خیال‌پروری و آرزوپردازی دوری جست. در مقابل سن‌سیمون Saint - Simon که خواستار حکومت علما و ارباب صنایع و بانکداران و بزرگ مالکان بود، مارکس Marx دولت را در جوامع کنونی اعم از فئودالی و سرمایه‌داری محکوم کرد و زمامداران سیاسی را استثمارگران اقتصادی یا حافظ مصالح و منافع چنین گروه شمرد. بگمان مارکس در هر جامعه‌ای مردم بدو گروه مالک وسایل تولید و فاقد آن وسایل تقسیم می‌شود و همواره گروه نخست بر گروه ثانی حکم میراند و از او ظالمانه بهره می‌گیرد.

دانشمند دیگر که در این باب تحقیق کرده موسکای G. Mosca ایتالیایی

است که می‌گوید در هر جامعه‌ای دو طبقه یکی حاکم و دیگری محکوم در کارند و طبقه اول گرچه بشماره قلیل است اما قدرت سیاسی را بدست دارد و از امتیازات ناشی از قدرت برخوردار است و طبقه ثانی را که مرکب از اکثریت خلق است تحت فرمان می‌گیرد و بر او اعمال نظارت و مراقبت می‌کند. طبقه حاکمه بصفتی متصف است که در جامعه قدر و وزن داشته باشد چنان که اگر در جامعه‌ای زورمندی و جنگاوری مورد ستایش باشد برگزیدگان سیاسی از میان جنگجویان برمی‌خیزند و در آن جا که توانگری واجد اهمیت است اصحاب مال و نعمت بحکومت می‌رسند.

جامعه‌شناس ایتالیایی پارتو Vilfredo. Pareto در بحث از مردم نخبه، عوامل غریزی را دخالت داده و مدعی شده است که گرداننده چرخهای زندگی فرد و اجتماع پاره‌ای غریزی یا «ثوابت عاطفی» و بقول او بقایا «Résidus» است و این غرایز در افراد و گروه‌های مختلف بدرجات متفاوت تجلی می‌کند چنان که در مردمان برگزیده‌ای که تازه بقدرت سیاسی رسیده‌اند غریزه‌ای خاص که «تمایل به ترکیب و نوآوری» باشد نیرومند است اما همین که زمانی برآمد و بقول ابن خلدون، صفات دلیری در آن گروه تباه شد و بناز و نعمت و تجمل خو گرفتند و تن آسان شدند غریزه‌ای دیگر که «حفظ تراکیب» باشد در آنان قوت می‌گیرد و بجای کوشش در ابداع و اصلاح جامعه، سعی در نگهداری و ادامه قدرتی می‌کنند که روزی بنیروی ابتکار و دلیری بدست آورده‌اند و ناچار به محافظه‌کاری و ارتجاع روی آور می‌شوند. روشن است که اگر جامعه‌ای با زور و جبر بدست سیاستمداران مقتدری که تنها در پی حفظ امتیازات خویشند اداره شود و از هوش خلاق «مبدعان و مصلحان» عاری باشد بزودی بفساد می‌گراید. از این رو ناچار باید خون تازه‌ای در هیكل اجتماع بجریان آید و «سیر نخبگان» نوآور از طبقات کهنتر بطبقات برتر صورت گیرد. اگر این سیر و ارتقاء اجتماعی روی ندهد و قشرهای بالای جامعه از عناصر منحط و قشرهای پایین از افراد پرمایه ترقی طلب لبریز شود انقلاب درمی‌گیرد و نظام اجتماعی واژگون می‌شود.

دو محقق معاصر که نظری درباره برگزیدگان سیاست عرضه کرده‌اند هارولد لسول Harold Lasswell امریکایی و تیماشف انگلیسی N. S. Timasheff هستند. لسول

بر آن است که در جامعه هر کسی را هوسی دسر و کاری در پیش است و سیاستمدار کسی است که هوای قدرت دارد و از میان ارزش‌های جامعه این یک را برمی‌گزیند. عشق بقدرت ممکن است ناشی از این باشد که فرد باقلیتی حاشیه‌نشین در جامعه تعلق دارد و از راه قدرت سیاسی می‌خواهد برای خود موقع و مقامی ممتاز در قلب اجتماع تحصیل کند. جستجوی قدرت ممکن است خود وسیله نیل بغایتی دیگر چون ثروت - شهرت - احترام اجتماعی و امنیت باشد حتی ممکن است عقده حقارت شخص او را بطلب قدرت برانگیزد. بدیهی است که محرکات درونی و روانی کافی نیست باید شخص بآداب سیاست مطلع باشد و نیز فرصت‌های مساعد فرا راه او گشوده شود. تیماشف معتقد است که هر گروهی طبعاً بدو دسته تقسیم می‌شود افراد فعال و افراد فعل پذیر، افراد فعال آنها را گویند که بقول برتراند راسل Bertrand Russell میل تسلط بر دیگران و ذوق فرمانروایی دارند و افراد منفعل به پیروی و فرمانبری راغب هستند. در جامعه‌های ساده و ابتدائی حکومت بدست گروه اول و تبعیت کار گروه دوم است اما در جوامع پیچیده ممکن است عوامل دیگری چون اصل و نسب - ثروت و مانند آن در کار آید و شخصیت‌های فعال مستعد اعمال قدرت را بکنار گذارد. بدیهی است که اگر روش جامعه چنان باشد که پیوسته دارندگان ذوق و توانایی حاکمیت را از قدرت محروم کند خطراتی در پیش است و ممکن است روزی طبایع فعال بشورند و بزور، قدرت را بچنگ آورند.

* * *

تحقیقاتی که بدانها اشاره رفت گرچه بر مشاهده جوامع و مطالعه تاریخ و روانشناسی مبتنی است اما جنبه آماری و تجربی ندارد. در جامعه امروزی که بیش از پیش از جهت گروه‌ها و طبقات، تنوع و پیچیدگی حاصل می‌کند قول باین که قدرت فقط در دست کسانی است که چنین یا چنان صفاتی دارند و فی‌المثل همگی از طبایع فعال، قدرت‌گرایان، نوآوران، متصفان به صفات عالی، مالکان وسایل تولید و سرمایه‌داران استثمارگر اقتصادی هستند نادرست است از همین رو باید در هر جامعه‌ای جداگانه مطالعه کرد و بروش‌های آماری و تجربی متوسل شد و معلوم داشت که هر یک از گروه‌ها یا طبقات اجتماع چه سهمی از قدرت دارند و مشخصات فردی و اجتماعی قدرتمندان در هر جامعه خاص کدام است؟

این گونه مطالعه در سرزمین‌های دیگر بی‌سابقه نیست و از حدود بیست سی سال پیش آغاز شده است اما در کشور ما تازگی دارد و می‌توان گفت که کتاب حاضر نخستین تحقیق آماری و تجربی است که درباره قسمتی از برگزیدگان سیاسی ایران تدوین شده است. بر مقایسه نتایج این تحقیق با مطالعاتی که در ممالک دیگر صورت گرفته فواید بسیار مترتب است و ما را در شناخت بهتر و ژرفتر نظام سیاسی و اجتماعی ایران یاری می‌کند از این رو مجملاً بپاره‌ای از مطالعات خارجی اشاره می‌کنیم.

تحقیقی درباره نمایندگان کنگره آمریکا در ۳ - ۱۹۴۱ و سناتورهای همان کشور در ۵۱ - ۱۹۴۹ حاکی از آن است که وکلای مجالس آمریکا بیش از همه فرزندان چهار گروه اجتماعی مالکان - کارمندان دولت - مزرعه‌داران و صاحبان مشاغل آزاد بوده‌اند و شماره فرزندان کارگران صنعت - کارگران کشاورز - خدمتکاران و مزدوران دیگر در میان آنها بسیار قلیل بوده است.

اکثر نمایندگان مجالس از مشاغل آزاد تخصصی (۶۹ درصد) و خصوصاً حقوقدانی و وکالت دادگستری به سیاست پرداخته‌اند و در درجه بعد صاحبان مشاغل اداری و مالکان (۲۲ - ۲۴ درصد) قرار گرفته‌اند قلیلی نیز قبلاً مزرعه‌دار بوده‌اند (۴ - ۷ درصد) و کارگران و مزدوران تقریباً بمجالس راه نداشته‌اند درجه تحصیلات نمایندگان در ۸۷ درصد موارد دانشگاهی بوده و بیسواد هرگز و کم‌سواد جز در چند مورد ناچیز بمجالس پذیرفته نشده است.

تحقیق دیگر درباره مشخصات و منشأ اجتماعی نمایندگان مجلس عوام انگلستان در سال ۱۹۴۵ حاکی از آن است که فقط ۸ درصد از اشراف و بقیه از عامه خلق بیرون آمده‌اند. ۴۲ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. ۵۳ درصد از مشاغل آزاد ۱۷ درصد از کارفرمایی و مدیریت - ۲۷ درصد از کارگری و ۲ درصد از کدبانوئی به وکالت مجلس گرائیده‌اند.

تحقیق تازه‌تری در ۹ - ۱۹۵۵ تفاوت‌های بارزی را که میان مشخصات نمایندگان محافظه کار و وکلای کارگر در انگلستان موجود است عرضه می‌دارد. اهم مشاغل نمایندگان حزب نمایندگان کارگر، از خود کارگران و بیش از سی درصد از روشنفکران و صاحبان مشاغل تخصصی آزاد و معلمین بوده‌اند. در مقابل نمایندگان محافظه کار که غالباً مدارس خصوصی اشرافی را طی کرده‌اند و در حدود ۷۰ درصد

دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند نسبت تحصیل کردگان مدارس خصوصی و دانشگاهی نزد کارگران کمتر بوده‌است. از جهت سن باید گفت که ۶۹ درصد نمایندگان محافظه کار بین ۴۱ و ۶۰ سال داشته و حدود ۱۶ درصد کمتر از ۴۱ سال و ۱۶ درصد بیش از ۶۰ سال دارا بوده‌اند اما نسبت جوانان کمتر از ۴۱ ساله نزد کارگران فقط ۶ درصد و در عوض نسبت پیران بیش از ۶۰ ساله ۳۳ درصد بوده و بقیه کارگران (۶۰ درصد) بین ۴۱ و ۶۰ ساله داشته‌اند.

مطالعه دیگر مربوط به اعضای مجلس نمایندگان فرانسه بین سالهای ۱۸۷۱ و ۱۹۵۸ و گواه آن است که بیش از نصف ۶ هزار و کیلی که در آن مدت انتخاب شده‌اند از «روشنفکران» بمعنای اعم (نویسندگان - اساتید دانشگاه - وکلای دادگستری - روزنامه‌نگاران - علماء - مهندسان و معلمان) بوده‌اند.

پژوهشی دربارهٔ اعضای «پلیت بورو» در اتحاد جماهیر شوروی و تحول آن از ۱۹۱۷ تا کنون از این مطلب حکایت می‌کند که در آغاز آن مجمع در دست روشنفکران متعلق به طبقات متوسط و شهرنشین بود. ولی بمرور زمان و خصوصاً در دوران استالین سرکار بدست کسانی افتاد که منشایی حقیر داشتند و اکثراً روستازاده بودند و بهره از تحصیلات بسیار نداشتند اما دارای تجربه در کار اداری و رتق و فتق امور حزبی بوده‌اند. بعبارت دیگر انقلاب را روشنفکران پایه گذاشتند اما دیری نگذشت که قدرت در کف بورکراتها افتاد و روشنفکران حتی بدیدهٔ بدگمانی منظور گردیدند.

این مطلب که قدرت سیاسی بیش از پیش بدست اداریان می‌افتد در پاره‌ای از ممالک سوسیالیستی نیز صادق است چنان که تحقیق جیلاس دربارهٔ یوگسلاوی براین معنی حاکی است و با نظریهٔ ماکس وبر موافقت دارد که پیش‌بینی می‌کرد جنبهٔ اداری بر همهٔ فعالیت‌های عمومی از حکومت و اقتصاد گرفته تا امور علمی و خدمات نیکوکاری غلبه خواهد کرد و بخلاف مارکس که سرنوشت جوامع را در تمرکز وسایل تولید در دست عدهٔ قلیلی سرمایه‌دار می‌دید که خلع‌ید از ایشان باهتمام طبقات کارگری عصری تازه‌تر از آزادیهای فردی را بر انسانیت خواهد گشود ماکس وبر بر آن بود که بیش از پیش وسایل ادارهٔ امور تمرکز حاصل خواهد کرد و نهایت تمرکز در دولت سوسیالیستی روی خواهد داد و در آن جا آزادیهای فردی بکمال محدودیت خواهد رسید.

پیش از این اشاره کردیم که سن سیمون آرزومند حکومت علما و ارباب مال و صنعت بود پاره‌ای از جامعه‌شناسان معاصر نیز با مشاهده تحولی که در قرن حاضر در جوامع صنعتی روی کرده‌است عقیده دارند که بیش از پیش حکومت سرمایه‌داری به حکومت «مدیران» (مدیران صنعت و کارگردانان متخصص دیگر) سوق پیدا می‌کند. از جملهٔ این دانشمندان باید از جیمز برنهام J. Burnham نام برد که کتاب او «انقلاب مدیران» شوری در جهان انداخت و بعضی را حتی تصور آن دست داد که حکومت فاشیستی در ایتالیا و نازیسم در آلمان نشانه و نموداری از این غلبهٔ مدیران است.

نقادان برنهام چون رایت میلز C. Wright. Mills جدائی مالکیت صنایع و وسایل تولید را از مدیریت آن در جوامع جدید صنعتی تکذیب کردند و از جمله براساس آمارهای امریکائی ثابت نمودند که اکثر مدیران صنایع خود دست مالکان دارند و با آنان همبسته هستند و اکثراً خود از خانواده‌های مالک و توانگر بیرون آمده‌اند.

* * *

کتاب نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دورهٔ قانونگذاری، طلیعهٔ تحقیقاتی است که بروش جامعه‌شناسی جدید تجربی دربارهٔ «برگزیدگان ایران» صورت تحقیق پذیرفته است و مطالعات دیگری را چون تحقیق دربارهٔ وزراء - سناتورها - صاحب‌منصبان دستگاه‌های اداری دولتی بدنال دارد. خانم زهرا شجیعی دستیار مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی که این کار خطیر را بحسن ختام رسانده‌اند بگمان این جانب که سالی چند شاهد نزدیک همت بلیغ و سعی جمیل و پشتکار عظیم ایشان بوده‌ام از این جهت که راهی تازه گشوده و زمینه‌ای ناهموار را بسوی منزلگه مراد پیموده‌اند در خور کمال تحسین و شایستهٔ آفرین هستند. شبهه نیست که این تألیف چون هر کار جدیدی عاری از عیب و نقص نیست و امید می‌رود که خوانندگان دانای نکته‌سنج بدیدهٔ

۱- جهت مزید اطلاع رجوع شود به:

The social back ground of Political decision - makers, D.R. Matthews.

New - york, Ig62.

Elites and sodioty, T.B., Bottomore, London, Ig64

اغماض و تسامح ننگرند و مؤلف و مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی را از هر گونه زلتی که رفته و غفلتی که روی داده آگاه فرمایند.

از پیش سپاسگزار همه کسانی هستیم که ما را در این عرصه پر شیب و فراز چراغ هدایت فراگام بدارند که «دراز است ره مقصد و من نو سفرم»

دکتر شاپور راسخ

پیشگفتار

با سازمان یافتن گروه‌های تحقیقی در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، گروه بررسی طبقات و ساختمان اجتماع ایران زیر نظر آقای دکتر شاپور راسخ، با پشتیبانی خاص استاد معظم جناب آقای دکتر غلامحسین صدیقی و جناب آقای دکتر احسان نراقی تشکیل شد، مطالعه دربارهٔ نخبگان ایران را ضمن برنامه‌های تحقیقی خود منظور داشت، بر این اساس و از چهار سال قبل وظیفه پژوهش و بررسی دربارهٔ نخبگان سیاسی ایران را در گروه مزبور باینجانب محول کرد.

مطالعه در مورد سوابق و مشخصات نمایندگان مجلس شورای ملی و نحوه ترکیب طبقاتی مجلس مزبور قسمتی از تحقیقات مربوط به نخبگان سیاسی ایران است که طرح آن براهنمایی استاد عالیقدر و دانشمند جناب آقای دکتر شاپور راسخ که در واقع این مجموعه بتشویق و هدایت مداوم ایشان در طول مدت صورت تحقق گرفته است تنظیم گردید و اولین قسمت از برنامه کار این جانب را در مطالعه نخبگان سیاسی ایران تشکیل می‌دهد.

هدف از این تحقیق آن بود که دریابیم در روزگاران اخیر پس از تبدیل حکومت استبدادی بحکومت مشروطه سلطنتی و تدوین قانون اساسی که به تبع آن در نظام سیاسی ایران دگرگونی حاصل شد و حکومت مطلقه فردی بموجب اصول قانون اساسی محدود گردید و اصل حاکمیت ملی حق شرکت همه افراد ملت را از طریق مجالس شور در اتخاذ تصمیمات عمومی اعطاء کرد، چه کسان و کدام گروه‌های اجتماعی از قدرت سیاسی برخوردار بوده‌اند.

در قانون اساسی ایران، بموجب اصل تفکیک قوا، قدرت سیاسی به سه شعبه

مستقل و منفصل (قوه قانونگذاری، قوه مجریه، قوه قضائیه) تجزیه می‌شود بهمین سبب در این کتاب، در بیان مشخصات نخبگان سیاسی ایران و اصل منشأ و طبقه اجتماعی ایشان، ابتدا از هیأت قانونگذاری آغاز سخن کردیم. از آن جا که بموجب اصل ۴۳ قانون اساسی، قوه قانونگذاری بر سیستم دو مجلسی مبتنی است قاعده لازم بود در تحقیق و بررسی خود از نمایندگان مجلس سنا نیز سخن گوئیم (اولین مجلس سنا در تاریخ ۲۰ بهمن ماه ۱۳۲۸ م. با افتتاح دوره شانزدهم مجلس شورای ملی تشکیل شده است) برای تکمیل این مجموعه، بررسی درباره مشخصات سناتورها نیز مطمح نظر قرار گرفت و امید است در آینده نزدیک مطالعه خود را در مورد نمایندگان مجلس سنا و درباره هیأت وزیران ایران از صدر مشروطیت تا کنون با مراجعه به منابع و مدارک و با معاضدت رجال سیاسی ایران (که با پر کردن پرسشنامه‌ها بر ما منت خواهند گذاشت) توسعه داده و دید کلی تری درباره گروه‌های واجد قدرت سیاسی در ایران عرضه دارد.

در تعیین ترکیب طبقاتی هیأت قانونگذاری ایران علاوه بر این که هدف شناسایی قسمتی از نخبگان سیاسی ایران بود کوشش شده است تا از یک سوی ارتباط ترکیب طبقاتی جامعه ایرانی با هیأت قانونگذاری روشن گردد و از سوی دیگر معلوم شود که با تحول نسبی اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ایران که در هر یک از اعصار سه گانه مشروطیت (عصر سلطنت قاجار، عصر رضاشاه پهلوی، عصر محمدرضاشاه پهلوی) رخ داده است آیا در هر یک از آن اعصار و یا در ادوار قانونگذاری هر عصر، ترکیب گروه‌های نمایندگان مجلس بصورتی خاص بوده است؟ و آیا گروه‌هایی که بر سرکار آمده‌اند نماینده تحولات اوضاع و احوال عصر خود بوده‌اند؟ آیا تقارن و توازی بین ترقیات اجتماعی و اقتصادی جامعه با ترکیب طبقاتی مجلس بوده و اگر تباینی دیده شده چه علل و عواملی در آن مؤثر بوده است؟

آنچه در این تحقیق بعنوان مقدمه آورده شده اشاره موجز باوضاع و احوال اجتماعی عصری است که مولد انقلاب و موجد حکومت مشروطه و حوادث بعدی آن گردیده است.

لازم است یادآور شود که هدف تدوین تاریخ مشروطیت ایران و وقایع‌نگاری آن نیست بنابراین ذکر جریان مفصل و مشروح حوادث تاریخی مشروطیت و کیفیت تأثیر شخصیت‌های برگزیده در آن و کشف عوامل و نیروهای نهانی که احتمالاً میتوان گفت

پاره‌ای از مورخان را نیز بدرک آن دسترسی نبوده است از وظیفه نگارنده خارج است. چه این کار مهم و خطیر را از آغاز انقلاب مشروطیت تا کنون مؤلفان متعددی با توفیق بیش و کم بانجام رسانده‌اند. نگارنده در این مجموعه صرفاً بمنظور روشن شدن ذهن خوانندگان عزیز و بدست دادن دیدی کلی درباره علل و عوامل اساسی انقلاب و کیفیت دخالت گروه‌های اجتماعی در انقلاب و انعکاس آن در هیأت قانونگذاری تا آنجا که مربوط بموضوع تحقیق می‌شود با استفاده از یک رشته منابع که بی‌شبهه جملگی از لغزشها و خطاها عاری نبوده است در بخش نخست این کتاب به بیان اجمالی درباره وقایع عمده مشروطیت و وقایع اساسی هر دوره قانونگذاری و قوانین مهمی که در آن ادوار بتصویب نمایندگان مجلس رسیده پرداخته است.

باید گفت که در آثار مربوط به نهضت مشروطیت ایران فقط چند کتاب می‌توان یافت که به بحث و تحلیل ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی انقلاب روی نموده‌اند. در این مجموعه نیز در بخش نخست بیشتر با دید جامعه‌شناس به بیان نهضت مشروطیت پرداخته‌ام معیناً نباید مدعی بود که این تحقیق، حق مطلب را ادا کرده و علل و عوامل عمده این نهضت را بتمامه روشن نموده باشد. گمان می‌رود همین بیان موجز و بحث کلی از موجبات و علل مشروطیت از آن نظر که بتوان انعکاس آن علل و عوامل را در مجلس ایران و ترکیب طبقاتی و تمایلات آن مجلس دریافت کافی بنظر می‌آید. بدیهی است که چون اطلاعات مربوط بوقایع، متکی بر منابع تاریخی می‌باشد که کمابیش در ذکر جزئیات حوادث با وجود حسن نیت مؤلفان گاه با احساسات شخصی آمیخته است و عاری از خطا نیست، نمیتوان با قاطعیت بر صحت جزئیات وقایع مندرج در این مجموعه حکم کرد.

پس از بیان وقایع عمده مشروطیت و علل و اسباب این نهضت در بخش دوم این کتاب سخن از ترکیب گروه‌ها و منشأ اجتماعی نمایندگان مجلس شورای ملی که موضوع اصلی تحقیق می‌باشد بمان آمده است. از جمله ملاک‌های اساسی جهت تعیین طبقه اجتماعی شخص، شغل و تخصص او، درجه تحصیلات - شغل و درآمد پدر و خانواده او است. از میان عوامل فوق آگاهی بر عامل درآمد با اینکه یکی از عوامل مؤثر در بررسی طبقات اجتماعی میتواند باشد، متأسفانه در مورد نمایندگان مجلس شورای ملی کاری بسیار دشوار بود. برای بررسی شغل، تحصیلات، سن و شغل پدر نمایندگان

مجلس منابع و مآخذ اصلی در درجه اول اطلاعات ضبط نشده‌ای بود که از طریق مصاحبه با عده کثیری از افراد مطلع و موثق^۱ که اکثراً از نمایندگان با سابقه مجلس

آقای محمدحسین استخر
 آقای غلامرضا اسپهبدی
 آقای مهدی اریاب
 آقای جمال‌الدین اخوی
 آقای دکتر محمدحسن اعتمادی
 آقای ایرج امینی
 آقای اسماعیل امیرخیزی
 آقای ابراهیم امیرتیومور
 آقای سلطان ابراهیم افخمی
 آقای امان‌الله اردلان
 آقای ناصرقلی اردلان
 آقای دکتر مصطفی الموتی
 آقای دکتر مظفر بقایی کرمانی
 آقای مهدی بامداد
 آقای حسن بیات
 آقای سیدجعفر بهبانی
 آقای غلامرضا بنکدار
 آقای محمد پروین گنابادی
 آقای پورسرتیپ
 آقای دکتر آصف قلی تاجبخش
 آقای منوچهر تیمورتاش
 آقای سیدحسن تقی‌زاده
 آقای باقر تحویل‌داری
 آقای دکتر علی جلالی
 آقای جلالی موسوی
 آقای مهندس فضل‌الله جلالی‌نوری
 آقای سیدابوالحسن حائری‌زاده

آقای حسنعلی راشد
 آقای حبیب رضازاده قشقایی
 آقای دکتر تقی رضوی
 آقای اسماعیل رحیمی
 آقای آقاسواک ساگینیان
 آقای عبدالله سعیدی
 آقای سلطانعلی سلطانی «شیخ‌الاسلام»
 آقای دکتر کریم سنجابی
 آقای دکتر عیسی سنگ
 آقای ابراهیم شریفی
 آقای باقر شاهرودی
 آقای جواد شجیعی
 آقای دکتر محمود ضیایی
 آقای مهدیقلی ضرغام
 آقای حسین عاملی
 آقای عباسقلی عرب‌شیبانی
 آقای غفاری
 آقای مهندس شمس‌الدین غروی
 آقای احمد کدخدازده
 آقای محمد کشاورزبان
 آقای محسن گنابادی
 آقای جواد گنجه‌ای
 آقای دکترهادی مرتضوی
 آقای حسن مخبرفرهمند
 آقای محسن مهدوی
 آقای دکتر علی‌اصغر مهدوی
 آقای دکتر عبدالله معظمی

بقیه پاورقی در صفحه بعد

بوده‌اند و آشنایی کامل درباره سوابق و منشأ اجتماعی دوستان و همشهریان و نمایندگان حوزه انتخابی خود و سایرین داشته‌اند بدست آمده‌است. در درجه دوم مدارک و اسناد کتبی موجود در اداره بایگانی را که مجلس شورای ملی و مربوط بمشخصات نمایندگان نیز از جمله منابعی بوده که مورد استفاده قرار گرفته است.

تحقیق و مطالعه در سوابق نمایندگان در بادی امر بعلت عدم آمادگی اشخاص مطلع و صاحب‌نظران برای مصاحبه و دادن اطلاعات لازم و دقیق، همچنین ناقص بودن مدارک و اسناد موجود در بایگانی مجلس امری بسیار دشوار بنظر می‌رسید. این موضوع بخصوص بر عده‌ای از نمایندگان محترم و رجال با سابقه‌ای که از پذیرفتن مصاحبه‌کننده و دادن اطلاعات مورد احتیاج ما خودداری می‌کردند پوشیده نیست. و اکثر خوانندگان عزیز بخوبی واقفند که سوابق نمایندگان تاکنون جز در اعتبارنامه‌ها در جای دیگر منعکس نشده‌است. دسترسی بپرونده‌های انتخاباتی و همچنین اعتبارنامه‌ها نیز پس از پشت سر گذاشتن مشکلات بسیار امکان‌پذیر گردید.

طبیعی است که اطلاعات مندرج در اعتبارنامه‌ها^۲ نیز بسیار محدود بود و از نظر

۲- بعنوان نمونه دو برگ اعتبارنامه از دوره دوم و چهارم مجلس در صفحه مقابل چاپ

شده‌است.

→

آقای دکتر محمدحسین میمندی‌نژاد	آقای حمیدی
آقای ممتاز	آقای خان‌ملک ساسانی
آقای میرممتاز	آقای امیرحسین خزیمه‌علم
آقای معینی	آقای درخشان
آقای حسین محیط لاریجانی	آقای دیوسالار
آقای دکتر ناظرزاده کرمانی	آقای ابوالفتح دولتشاهی
آقای حسن نراقی	آقای حسام‌الدین دولت‌آبادی
آقای نقشینه	آقای رجایی
آقای سیدمحمد هاشمی	آقای ابوالحسن رضوی شیرازی
آقای مهندس سعید هدایت	آقای دکتر رضازاده شفق
آقای پرویزیار افشار	آقای اسدالله مامقانی
آقای دکتر حسین نصر	آقای حسین معنوی
	آقای مهندس محلاتی

اعتبارنامه‌های نمایندگان ملت در مجلس شورای ملی آئینداری

کلیه ملاکهای مورد نظر این تحقیق کافی نبود و در مواردی بسیار نیز در پاره‌ای از اعتبارنامه‌ها بویژه اعتبارنامه‌های نمایندگان دوره‌های عصر اول مشروطیت کلیه مشخصات لازم منعکس نبود نکته شایان ذکر آن که در مورد هر دوره از مجلس باستثنای چند دوره اخیر بطور متوسط حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد اعتبارنامه‌های نمایندگان در بایگانی را که مجلس بدست نیامد.

مجموعه این مشکلات موجب شد که مدت بیش از دو سال صرفاً برای جمع آوری اطلاعات و مشخصات ۱۳۱۷ تن از بین مجموع حدود ۲۸۰۰ نماینده مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری - تهیه و تنظیم فیشهای متعدد برای هر یک از آنها صرف وقت شود. مشخصات هر یک از نمایندگان اغلب از سه یا چهار منبع مختلف جمع آوری و تهیه شده است و اطلاعات بدست آمده بدقت با هم مقایسه و با منابع مکتوب مطابقت داده شده است. مشخصات مزبور که اکثر بطور مشروح بدست آمده و پس از تلخیص در فیش مخصوص نمایندگان هر دوره قانونگذاری که از مجموعه‌های منتشر شده اداره قوانین مجلس شورای ملی و مذاکرات مشروح مجلس بدست آمده بود وارد گردید. روشن است که پس از این مقدمات، مرحله اساسی کار تحقیق که استخراج مشخصات نمایندگان در هر دوره و تهیه آمار و تنظیم جداول مربوط بهریک از عوامل است آغاز گردید. توضیحاً باید افزود تفسیر محدود و مختصر جداول آماری در این مجموعه صرفاً در بیان گروه‌های ترکیبی مجلس شورای ملی است و عوامل روی کار آوردن این گروه‌ها و درجه بستگی آنها با نیروهای متشکل جامعه ایران و این که هر گروه در زمان تصدی قدرت منشأ چه اثرات اجتماعی بوده‌اند با این که خارج از دایره این تحقیق علمی نبوده است ولی در حال حاضر مورد بحث تفصیلی در این مجموعه قرار نخواهد گرفت.

در بخش سوم این کتاب، از آنجا که منظور آن بود که نتایج بررسی‌ها در مورد فرد نمایندگان مجلس عرضه شود و احياناً اگر عامه مردم اطلاعات دقیقتری درباره افراد داشته باشند گزارش کنند، اسامی نمایندگان بیست و چهار دوره قانونگذاری درج شده است.

در تعیین مشاغل نمایندگان، از آنجا که در همه موارد فعالیت عمده و شغل اساسی آنان برای ما روشن نبود بناچار کلیه مشاغلی که قبل از و کالت داشته‌اند ذکر

امضا کنندگان ذیل اعضا و انجمن نظارت مرکزی اشخابات دارا اختلاف که بر طبق مواد نهم و یازدهم قانون
اشخابات مؤرخه دوازدهم جمادی الاخره بر حسب دعوت وزارت ذیل در تاریخ چهارم شهریور ۱۳۲۲
یافت تصدیق نمایند که جناب میرزا حسین خان مؤتمن الملک پسر مرحوم میرزا نصرالله
بنابر نامی پسیندها و دو نفر رای دهندگان در اختلاف که مجموعاً چهارده نفر تصدیق و تصدیق
بودند و آراء خود را در سه روز نهم و دهم و یازدهم شهریور در دفتر دارالفنون تسلیم نمودند
در درجه اول با اکثریت نسبی منتخب و بر وفق ماده نهم قانون سابق الذکر بر چهارم و پنج نفر منتخب درجه
دارا اختلاف محمود شدند و در تاریخ پنجمین و ششمین شعبان بموجب اکثریت نسبی که سه نوبت متوالی بوا
آراء شان زده و چهارده و سیزده نفر از سی و شش نفر رای دهندگان حاضر برای این حال شد بر وفق
نوزدهم همان قانون نسبت نمایندگی ملت ایران از جانب مالی دارا تعیین و منعقد گردید تاریخ پنجم شهریور ۱۳۲۲



شده است.

سن نمایندگان عموماً از روی اعتبارنامه‌ها نقل گردیده است، جز در مواردی که پاره‌ای از نمایندگان مشخصات خود را شخصاً گزارش داده‌اند در مورد سایر نمایندگان هنگامی که تنها سن نماینده معلوم بود سال تولد او محاسبه شده و با قید کلمه (حدود سال) در بخش سوم درج گردیده است.

در فهرست اسامی نمایندگان، نام کلیه کسانی که انتخاب شده‌اند، خواه آنها که در مجلس حضور یافته و در جلسات شرکت کرده‌اند و خواه کسانی که وکالت را نپذیرفته و بمجلس حضور نیافته‌اند و یا اعتبارنامه آنان رد شده و یا مسکوت مانده است و همچنین اشخاصی که در دوره‌های اول مجلس بعنوان نماینده طرازاول از طرف روحانیان (بموجب اصل ۲ متمم قانون اساسی) برای نظارت در قوانین بمجلس حضور می‌یافتند تحت عنوان نماینده مجلس آمده است.

با اینکه منبع اطلاعات در مورد هر نماینده فیشهای متعدد بوده است، معیناً نمیتوان با قاطعیت بصحت مشخصات آنان رأی داد و امید است پس از انتشار این کتاب مطالعه کنندگان محترم لطف فرمایند چنانچه اطلاعات دقیقتر و صحیحتری دارند برای نگارنده بفرستند تا در چاپهای بعدی از آنها استفاده شود.

کلمات و عبارات نمی‌توانند مبین سپاس و تشکری فراخور به پیشگاه استادان ارجمندی باشد که بمن دید بررسی و قدرت اجرای این تحقیق علمی را ارزانی داشته‌اند. توفیق در اجرای این امر را مدیون عنایت خاص استاد راهنمای خود جناب آقای دکتر شاپور راسخ میدانم. اختصاص وقت بسیار و بذل راهنمایی‌های سودمند ایشان در کلیه مراحل پژوهش و نگارش این کتاب، دشواریها و مشکلات آن را بر نگارنده سهل و هموار ساخت.

در خاتمه باید اذعان کنم که موفقیت خود را در امر دشوار بدست آوردن مشخصات مربوط به نمایندگان مدیون بزرگواران دانش دوستی هستم که ساعتها وقت گرانبهای خود را صرف کار خسته کننده دادن اطلاعات باین جانب کرده‌اند. همچنین توجه خاص جناب آقای دکتر احسان نراقی مدیر مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی که دشواریهای موجود در این امر بهمت ایشان هموار گردیده است سپاس فراوان دارد. برخورد فرض میدانم مراتب تشکر را از مساعدت و همراهی اولیاء محترم مجلس

اعتبار نامه

ما ائمه کاندکان ذیل اعضاء انجمن نظارت حوزه دشت مهران در تاریخ ۲۳ شهریور ماه ۱۳۲۹

تصدیق میکنیم که روی سرشناسی این بزرگواران در این حوزه دشت مهران و در این

وساکن مهران است در انتخابات این حوزه انتخابیه که در تاریخ ۲۳ شهریور ۱۳۲۹ واقع شده

با کدیت ۷۷۲۴۷ - رأی از ۱۱۸۰۳ - رأی دهندگان بدینندگی برای مجلس شورای ملی

منتخب گردید و شهادت میدهم که انتخاب معزیه الیه موافق مواد قانون انتخابات

مورخ بتاریخ ۲۸ شوال سنه ۱۳۲۹ واقع شده و تفصیل این انتخاب در صورت

مجلس انتخابات این حوزه مندرج است

بتاریخ ۲۹ شهریور ۱۳۲۹

مهر و امضای اعضاء انجمن نظارت

این اعتبار نامه صحیح است
مهر و امضای حاکم و مهر حکومت

شواری ملی، بخصوص کارمندان محترم اداره قوانین که با در دسترس گذاشتن اطلاعات در مورد قوانین مصوب مجلس و واگذار کردن جزوه‌های منتشر شده آن اداره مربوط به اسامی نمایندگان هر دوره قانونگذاری برنگارنده منت گذارده‌اند و همچنین کارمندان بایگانی مجلس تقدیم نمایم.

در اینجا بمورد است بعنوان تشکر از قبول زحمت تهیه نمودارهای این مجموعه که توسط آقای بیژن افسر کشمیری صورت گرفته‌است یاد کنم و همچنین از آقای عیسی هبیتی که در چاپ کتاب یاور این جانب بوده‌اند سپاسگزاری می‌کنم.

زهره شجعی

مردادماه ۱۳۴۴

بخش اول

مشروطیت ایران و علل و موجبات آن

مقدمه

انقلاب مشروطیت و برچیده شدن بساط حکومت استبدادی در ایران معلول عوامل متعددی است که بحث کامل و جامع در آن از حدود این تحقیق که بیشتر مبتنی بر منشأ اجتماعی و کلای مجلس در بیست و یک دوره قانونگذاری میباشد خارج است. در اینجا ما بیاد کردن مختصری از آن عوامل از نظر جامعه‌شناس می‌پردازیم نه از لحاظ وقایع‌نگار.

انقلاب کبیر فرانسه در آخر قرن هجدهم میلادی (آغاز قرن سیزدهم ه. ق) و اشاعه نهضت فکری از آن کشور بدیگر کشورهای اروپایی از اوایل قرن نوزدهم میلادی موجبات برقراری حکومت‌های دموکراسی و ملی را در آن ممالک فراهم ساخت. بدنبال آن اصول حکومت ملی و تساوی حقوق سیاسی و اقتصادی همراه با تمدن و ترقیات مادی بتدریج و اندک اندک از مغرب‌زمین به خاور دور (ژاپن) و کشورهای شرقی از جمله، عثمانی و مصر و ایران نفوذ و اشاعه یافت.

نهضت فکری ایرانیان و بدنبال آن پیدایش انقلاب مشروطیت در ایران، نتیجه برقراری ارتباط اقتصادی و فکری و سیاسی بین ایران و دول اروپایی بود، گرچه از آغاز تاریخ، ایران همواره با مغرب‌زمین مربوط بوده ولی ارتباط وسیع این کشور با ممالک خارجی در واقع از اوایل قرن یازدهم ه. ق و در دوران پادشاهان صفوی ببعده اهمیت خاصی پیدا کرده و بخصوص از زمان فرمانروایی قاجاریان و بوجه‌اخص در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه حاصل گشته‌است. برای توضیح باید افزود که پدید آمدن ارتباط میان دولت ایران با مغرب‌زمین در دوره صفویان از راه ورود هیأت‌های سیاسی و تجارتهای و همچنین آمدن جهانگردان اروپایی رابطه‌ای مستمر و دائمی نبود و نتوانست تأثیر عمیق و قابل توجهی در افکار توده ملت داشته‌باشد.

پیشرفت تمدن و صنعت جدید و توسعه سرمایه‌داری در کشورهای اروپایی و بدنبال آن رقابت بر سر بدست آوردن بازارهای جهان موضوع استعمار دول توسعه نیافته را مطرح کرد. نظریه موقع خاص جغرافیای کشور ایران در آغاز قرن سیزدهم ه. ق (قرن نوزدهم میلادی) بطور مستقیم زیر تأثیر این سیاست جهانی قرار گرفت، و چنین سیاستی برای کشور ما به تجاوز دولت روسیه تزاری به نواحی شمالی ایران و شکستهای متوالی سپاهیان ایران از آن دولت و استیلای روسها در ایالات نزدیک بحر خزر و قفقاز و تنظیم عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای منجر گردید.

از سوی دیگر استیلای امپراتوری انگلستان بر هندوستان (در اواخر قرن دوازدهم ه. ق) و تمایل دولت فرانسه به استیلا یافتن بر هند و بدست آوردن منابع حاصلخیز آن کشور و مخالفت انگلستان با فرانسه برای حفظ مستعمرات خود در آسیا، کشور ایران را معبر بین‌المللی و صحنه کشمکشهای سیاسی دولتهای استعماری گردانید و زمینه دخالت مستقیم آنها را در امور سیاسی و اقتصادی کشور ما آماده ساخت.

نتیجه چنین ارتباط بویژه شکستهایی که بدولت ایران در جنگهای با روسیه تزاری و پس از آن با انگلستان (در سالهای ۱۸۵۶ - ۱۸۵۷ میلادی) وارد آمد، مقدمات نخستین مرحله بیداری ملت ایران و توجه مردم این سرزمین را به لزوم کسب دانشها و صنایع جدید از اروپا فراهم کرد.

همزمان و همراه با بسط نفوذ سیاسی و اقتصادی غرب در ایران باجبار خصوصیتهای فکری و اجتماعی غرب نیز کمابیش به این کشور راه یافت و منشأ تغییرات و تحولات عمیق در نیمه دوم قرن سیزدهم ه. ق و بخصوص در ربع اول قرن چهاردهم ه. ق گردید. علاوه بر تأثیرات روابط اقتصادی، سیاسی و فکری بین ایران و مغرب‌زمین، عوامل دیگر داخلی نیز در کار بوده‌است که باجمالی اثر آنها را در انقلاب اجتماعی و سیاسی مشروطیت در طی فصلهای آینده بیان خواهیم کرد.

فصل نخست

تحولات اقتصادی ایران مقارن انقلاب مشروطیت

اقتصاد ایران در زمان صفویان بطور طبیعی و سریع راه تکامل خود را می‌پیمود، در این دوره صنایع دستی در ایران ترقی بسیار حاصل کرد و روابط تجارتي با کشورهای بیگانه برقرار شد. لیکن پس از صفویان این تکامل از لحاظ عوامل مختلفی همچون جنگها و کشمکشهای داخلی و خارجی و کساد تجارت در نتیجه هرج و مرج و ناامنی راهها و نیز بعلت ظهور انقلاب صنعتی در اروپا در قرن نوزدهم میلادی متوقف ماند.

پدید آمدن انقلاب صنعتی به مبارزه‌ها و رقابتهایی میان کشورهای بزرگ صنعتی برای بدست آوردن منابع موادخام و بازارهایی برای صدور کالاهای صنعتی منجر گردید و موجبات تحول اقتصادی ایران در زمینه تجارت و بخصوص صنعت در قرن سیزدهم ه. ق فراهم شد. پیش از پیدایش صنعت جدید، توسعه صنایع دستی در نتیجه رونق تجارت ایران منبع درآمد سرشاری برای کشور بشمار میرفت و موجب ترقی اقتصادی مملکت بود، ولی دولت ایران بعلت قطع روابط خود با دولتهای غربی و اقتباس نکردن صنعت جدید رفته رفته موقع اقتصادی خود را از دست میداد. ولی خوشبختانه این انحطاط با اقدامات و کوششهای سودمندی که در دوران ناصرالدینشاه از نیم قرن پیش از مشروطیت بوسیله برخی از رجال روشنفکر و سرمایه‌داران داخلی بمنظور اقتباس تمدن جدید و صنعت ماشینی انجام گرفت، و همچنین بدنبال برقراری روابط تجارتي با دولتهای غربی

و تأثیرات اقتصادی و سیاسی روسیه و انگلیس در ایران تا اندازه‌ای متوقف ماند و تا حدودی موجبات تجدید فعالیت‌های اقتصادی فراهم گردید.

لیکن از ذکر این نکته نباید غفلت کرد که همه اقدامات برخی از مقامات مخصوص در زمینه صنعتی کردن ایران از نیم قرن پیش از مشروطیت بعللی همچون رقابت کشورهای صنعتی سرمایه‌دار بویژه روسیه تزاری و انگلیس و بکاربردن نفوذ سیاسی خود در راه بدست آوردن امتیازات زیانبار و تسلط بر اقتصادیات ایران و از سوی دیگر توجه نکردن زمامداران آن دوران کشور ما باتخاذ سیاست حفظ صنایع داخلی و حمایت از آنها، نتایج نامطلوب ببار آورد، و در ربع اول قرن چهاردهم ه. ق وضع خاصی از لحاظ اقتصادی پدید آورد که منشأ جنبش‌هایی وسیع و سرانجام انقلاب ملت بر ضد استثمار و استعمار خارجیان گردید.

تجارت و صنعت

کشور ایران از نظر داشتن منابع ثروت طبیعی و موقع مهم جغرافیایی از دیرباز با بیشتر ملت‌های اروپایی و آسیایی روابط تجارتي داشته است.

تجارت ایران بخصوص در زمان صفویان پس از برافتادن حکومت ملوک طوایفی و تمرکز یافتن قدرت در دست پادشاهان صفوی ترقی شایان توجهی حاصل کرد، عنایت خاصی که شاهان صفوی بامر راهسازی و توسعه و ترقی صنایع کشور مبذول میداشتند و بویژه تسهیلاتی که در پرتو تشکیلات منظم گمرک و تعرفه‌های مناسب آن فراهم کرده و همچنین امنیتی که در شهرها و راهها پدید آورده بودند موجبات جلب نظر تجار خارجی و تأسیس کمپانی‌های آنها را فراهم ساخت و کشور ایران بار دیگر معبر تجارت هندوستان و کشورهای اروپایی قرار گرفت و قراردادهایی در زمینه تجارت بین ایران و دولت‌های خارجی تنظیم شد و بمرحله اجرا درآمد.

مهمترین اقلام صادراتی ایران در این دوران، ابریشم و منسوجات ابریشمی، قالی و تریاک بوده‌است و واردات ایران را منسوجات انگلیسی و مسکوکات طلا و نقره (در ازای صدور ابریشم) و کالاهای دیگری چون ابزارهای تجملی و ساخته‌های گوناگون بلور و جواهرات تشکیل میداده است.

در روزگار صفویان دولت تجارت ابریشم و صدور آن را بخارج از کشور کنترل

میکرد و تحت انحصار خود درآورد. تجارت داخلی ایران را تجار مسلمان و تجارت خارجی را بخصوص از زمان شاه‌عباس آرامنه در دست داشتند، در اواخر عهد صفویان گروهی دیگر نیز بر طبقه بازرگانان افزوده شد و آنها هندوهای بی بودند که علاوه بر معاملات صرافتی تجارت هم میکردند.

شهرهای شمالی و جنوبی ایران بخصوص تبریز و ایروان و بندرعباس در این دوران از مراکز مهم تجارتي بشمار میرفت و عایدات گمرکی مهمترین رقم درآمد دولت را تشکیل میداد. در این عصر تنها از راه عایدات گمرک ایروان سالیانه معادل ۱۶۸ هزار تومان و از بندرعباس قریب ۲۱ تا ۲۲ هزار تومان عاید دولت میشد.

بطور کلی باید قرن هفدهم میلادی و اوایل قرن هجدهم میلادی را عصر ترقی تجارت ایران دانست. چه ارتباط ایران با خارج افزایش یافته بود و همه ساله گروه کثیری از بازرگانان بخارج کشور مسافرت میکردند و بدین وسیله موجبات رواج مصنوعات داخلی را فراهم می‌ساختند، صنایع دستی ایران در این عصر در اغلب بازارهای جهانی با صنایع کشورهای دیگر رقابت می‌کرد، ولی پس از پدید آمدن انقلاب صنعتی اروپا و پیدایش تکنیک جدید، صنایع ایرانی که براساس تکنیک قدیم مبتنی بود نتوانست موقع خود را در بازارهای جهانی حفظ کند و رفته رفته پس از ورود کالاهای مشابه خارجی و رقابت آنها با کالاهای ایرانی حتی در بازارهای داخلی نیز اهمیت و موقع خود را از دست داد و بتدریج کارگاه‌هایی که با شیوه‌های تولید قدیم اداره میشد و بر نیروی بازوی انسانی متکی بود تعطیل گردید.

در نتیجه پس از صفویان در خلال حمله افغانها بایران و هنگام کشمکشها و جنگهای داخلی و خارجی نادرشاه تجارت ایران نیز از یک سوی بسبب هرج و مرج و ناامنی راهها و از سوی دیگر بعلت تعدیات حکام و مأموران گمرکی موقع مهم و رونق خود را از دست داد و تجارتخانه‌هایی که دولت‌های خارجی از زمان صفویان در ایران دایر کرده بودند بسبب خسارت‌های عمده‌ای که متوجه آنها شد برچیده گشت و داد و ستد ایران با دولت‌های خارجی دچار وقفه و سکون گردید.

تا اینکه در عصر قاجاریان بموجب معاهده‌هایی که میان ایران و دولت‌های خارجی